

نقش همدلی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید محمدجواد قربی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۳/۱۰

منصور حیدری^۲

تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۲۳

صفحات مقاله: ۸۳ - ۱۲۵

چکیده:

حفاظت، حراست و ارتقای قدرت ملی یکی از اهداف متعالی نظام‌های سیاسی است که مکاتب مختلف نظری بر آن تأکید دارند. بسیاری از کشورها به ابعاد بیرونی قدرت توجه دارند و از ساخت درونی خویش غافل هستند که همین امر الگوهای امنیت و قدرت ملی آنها را سست و لرزان کرده است. این در حالی است که راهبرد جمهوری اسلامی ایران، «استحکام ساخت درونی قدرت ملی» است. به این معنا که توانمندی و اقتدار درون‌زا و ملی، پایه قدرت بیرونی خواهد بود. ساخت درونی قدرت مبتنی بر رعایت مصالح عمومی و پیوندهای اجتماعی است که منطبق آن، عطوفت و مهربانی با دوستان و صلابت در برابر معاندان نظام سیاسی است که بن‌مایه حقیقی آن، «بیش توحیدی و ایمان به خداوند یکتا» است. به هر روی، برای تحصیل اقتدار و قدرت درونی جمهوری اسلامی ایران، خیلی از مؤلفه‌ها دخیل هستند که یکی از آنها «همدلی» است. به همین منظور، این مقاله سعی دارد با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و مطالعات اسنادی به پاسخ این سؤال بپردازد که: «همدلی و همزیانی بر استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری دارد؟» یافته‌های مقاله حاکی است که همدلی در راستای استحکام ساخت درونی قدرت، زمینه‌های تثبیت نظام و برپایی دولت مقتدر، تحقق اهداف متعالی نظام و منافع حیاتی ملی، پاسداشت عزت ملی و استقلال همه جانبه و پایدار، دشمن‌ستیزی و نفوذناپذیری در جمهوری اسلامی، انسجام دولت - ملت و نفعی قوم‌مداری افراطی، اقتدار درون‌زا و غیره را فراهم می‌آورد.

* * * * *

کلید واژه‌ها

استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران، همدلی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، قدرت ملی در جمهوری

اسلامی ایران، عزت و استقلال نظام جمهوری اسلامی ایران.

۱ - دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی
ghorbi68@yahoo.com

۲ - نویسنده مسئول: استادیار معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی همدان

مقدمه

همدلی^۱ و همزبانی^۲ برای مردم هر کشور از جایگاه خاصی برخوردار است (زیوری، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۲) یگانه راه خوشبختی، رستگاری و همدلی و همزبانی ملت، خدامحوری است که اصولاً بر اساس فطرت انسانی بنا شده است نه بر مبنای معیارهای طبقاتی، نژادی و سیاسی. مسلم است که اصالت‌های دینی و ارزش‌های عقیدتی است که نژادها و قوم‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهد و در ایجاد همدلی و همزبانی عمومی نقش عمده‌ای دارد. از این رو، همدلی و اتحاد حاکم بر اهل ایمان، وحدتی حقیقی است که در جانها ریشه دارد و موجب عزت، استقلال و استحکام ساخت درونی قدرت و نظام ملی می‌شود (خسروی، ۱۳۹۴: ۷۱)؛ بنابراین باید هر چیزی را که برهم زننده همدلی و وحدت در جامعه است برطرف کرد. تفرقه و اختلاف آفت اصلی قدرت ملی در جامعه اسلامی است.

در حالی که تکیه بر ساخت بیرون قدرت در ادوار مختلف و در تجربه بیشتر کشورهای جهان با شکست روبه‌رو شده و ضعف و ذلت دولت‌های منطقه هم ناشی از تکیه و اعتماد این حکومتها به قدرت‌های بیرونی است. راز و رمز پیروزی، تداوم، اثرگذاری منطقه‌ای و تبدیل انقلاب اسلامی به گفتمان جهانی ناشی از تکیه بر ساخت درونی و خودباوری ملی آن است. این امر با همدلی و همزبانی ملت و دولت شکل می‌گیرد. هم‌چنین همدلی و همزبانی ملت و دولت می‌تواند این دستاوردها را به دنبال داشته باشد: حل و فصل مسائل و مشکلات داخلی، افزایش قدرت چانه‌زنی در دیپلماسی و نقش‌آفرینی در تحولات منطقه‌ای و جهانی، توسعه درونزا، بومی، متوازن و پایدار داخلی و پیشرفت همه‌جانبه و جامع‌نگر، افزایش مقاومت در برابر نظام سلطه جهانی و مصونیت کشور در برابر بحرانهای آینده، تمرکز بر ظرفیتهای اقتصادی، فرهنگی و علمی درونی و به فعلیت رساندن این ظرفیتهای، استحکام توان درونی نظام، که مورد هجوم همه‌جانبه دشمنان است و افزایش نشاط ملی^۳ و اعتماد ملی^۱ بین مردم، حفظ

1 - Empathy
2 - Compassion, consensus, harmony, oneness
3 - National happiness

استقلال و عزت ملی، تبدیل جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای دیگر ملتها، تقویت انسجام درونی و همبستگی ملی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی، تقویت ظرفیت درونی و غیره. به هر روی، دولت‌ها و گفتمان‌های حاکم بر آنها برای بقای خود همواره نیازمند سازوکارهایی هستند تا از رهگذر آنها بتوانند به قدرت خود در درون ساخت اجتماعی تداوم بخشند. بر این اساس و بنا بر فرمایش رهبر معظم انقلاب اسلامی، کشور باید اقتدار درونی خود را حفظ کند و مشکلات کشور را تنها یک چیز حل می‌کند؛ آن هم عبارت است از نگاه به ظرفیتهای درونی و استفاده از این ظرفیتهای به شکل حکیمانه. در این میان، همدلی و همزبانی دولت و ملت راه نفوذ دشمنان و تضعیف همبستگی عمومی و قدرت ملی را می‌بندد (عبدالملکی، ۱۳۹۴: ۱). براساس چنین نگرشی به مقوله همدلی و همزبانی، لازم و ضروری است مسئولان و سیاستگذاران دفاعی و امنیتی کشور به این مقوله راهبردی توجه لازم را مبذول دارند؛ زیرا بی‌توجهی به سیاست راهبردی همدلی و همزبانی ملت و دولت در نظام سیاسی ولایت‌مدار، تزلزل در پایه‌های قدرت ملی، کاهش اقتدار و نفوذ، ایجاد ناامنی و تضعیف کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را به همراه خواهد داشت؛ با این اوصاف، این تحقیق تلاشی است برای پاسخگویی به این سؤال که نقش، اهمیت و تأثیر همدلی بر استحکام قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

رویکرد مفهومی

۱- قدرت ملی

قدرت به لحاظ لغوی به معنای توانایی داشتن و توانستن است. اگر تأثیر مبدأ قدرت بر غیر بیشتر باشد، عمومیت و شمول بیشتری خواهد داشت و در صورت شمول قدرت نسبت به تمامی افراد و اشیا، قدرت همه‌جانبه پدید خواهد آمد. هر گاه قدرت همه‌جانبه نسبت به تمامی افراد و اشیا هستی تأثیری همه‌جانبه داشته باشد، قدرت مطلق خواهد شد (مداحی، ۱۳۸۹: ۱۲۶ - ۱۲۴). قدرت ملی به مجموعه‌ای از تواناییهای مادی و معنوی گفته می‌شود که

در قلمروی یک واحد جغرافیایی - سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. قدرت در اصل به توان و استعداد انسان برای انجام دادن کاری اطلاق می‌شود که مطلوب اوست. از دیدگاه سیاسی قدرت، عواملی است که یک بازیگر را قادر می‌سازد تا رفتار بازیگران دیگر را در نفوذ خود قرار دهد. بر این اساس بازیگران می‌توانند حکومتها، ملتها، کشورها و دیگر گروه‌ها را در اقدامی مشخص و یا جلوگیری از آن تحت نفوذ قرار دهند. قدرت وقتی در قالب جامعه یا ملت نگریسته می‌شود و برآیند تواناییهای آن جامعه یا ملت باشد از آن به قدرت عمومی و کلی تعبیر می‌شود. قدرت ملی منشأ و مبادی گوناگونی دارد و بر عوامل و منابع گوناگونی تکیه دارد و از آنها ناشی می‌شود. عوامل و منابع اصلی شکل‌دهنده قدرت ملی کشورها در حوزه‌های مختلفی قرار دارد؛ بدین ترتیب عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، جغرافیایی، علمی و روحانی، اجتماعی و نظایر آن جملگی می‌توانند منشأ قدرت کشورها باشد که در کارکردی جمعی به تولید قدرت ملی می‌پردازند. عوامل قدرت ملی به صورت کمی و کیفی وجود دارد؛ یعنی متغیرهای هر یک از این عوامل ممکن است جنبه کمی و یا کیفی داشته باشد (زرقانی، ۱۳۹۱: ۴ - ۲). در اسلام، قدرت و قدرت ملی حقیقی و مستحکم ناشی از قدرت الله است که در پرتوی ایمان مردم در جامعه تجلی می‌یابد و نشان‌دهنده قدرت آحاد ملت است که در پرتوی بیداری و آگاهی (معرفت) به دست می‌آید و از آنجا که همراه معرفت و آگاهی است، شکننده نیست و قدرتهای رقیب، توان مقابله با آن را ندارند. علت استحکام قدرت و توانمندی قدرت در جامعه اسلامی، تقوا است. عاقبت و آینده قدرت ملی در اسلام، تحصیل حیات طیبه است و کلید موفقیت و تعالی افراد جامعه و امت اسلامی به شمار می‌رود. نکته افتراق اصلی میان قدرت در اسلام و غرب، دین به مثابه منشأ و منبع قدرت است؛ به این معنا که دین در گفتمان غربی قدرت، نقشی ابزاری ایفا می‌کند ولی در اسلام و جمهوری اسلامی، اسلام و ارزشهای الهی نیز قلب گفتمان قدرت محسوب می‌شود (قربی، ۱۳۹۴: ۱۷).

۲- معنا و مفهوم همدلی

فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، همدلی را اتحاد، اتفاق، سازواری، وفاق، همراهی، همفکری، یکرنگی و یگانگی دانسته است. هم‌چنین فرهنگ فارسی معین همدلی را دارای یک رأی و اندیشه، متفق، متحد، دوست جانی و صمیمی می‌داند (امانی، ۱۳۹۴: ۳۸۷). به تعبیر مولوی

همزبانی خویشی و پیوندی است	مرد با نامحرمان چون بندی است
ای بسا هندو و ترک همزبان	ای بسا دو ترک چون بیگانگان
پس زبان محرمی خود دیگرست	همدلی از همزبانی بهترست

اساس همدلی، کنار نهادن نگرشهای از پیش شکل گرفته توأم با تعصب است (منصوری، ۱۳۸۹: ۴۰). همدلی، عالیترین سطح صمیمیت و همگرایی است؛ ولی همگرایی الزاماً به معنای همدلی نیست بلکه همدلی سطحی بالاتر از همگرایی است که در نتیجه عشق و علاقه همدیگر شدت می‌یابد و کدورتها به حداقل می‌رسد و جامعه، منسجم و یکپارچه می‌شود. عوامل همدلی بر ارزشهای عاطفی و معنوی مبتنی، و مبنای آن احساس است (حیدریان و دیگران، ۱۳۹۴: ۹۰۸).

رفتارهای ماکیاولیستی نیز سردی عاطفی و عدم صمیمیت را در ارتباطات به وجود می‌آورد؛ زیرا این‌گونه رفتارها ناظر بر اعتقاد به عدم صداقت در رفتار انسانها و بی‌اعتمادی در روابط با دیگران است. سردی عاطفی در ماکیاولیستها به شکل نبود همدلی گرم^۱ یا نگرانی همدلی^۲ نمایان می‌شود که از ابعاد همدلی است (عارفی و لطیفیان، ۱۳۹۰: ۶۳ و ۶۲). برخی از تحقیقات ناظر بر تأثیر همدلی گرم بر عملکرد اجتماعی جامعه‌پسند است و تأثیر ایجابی همدلی را بر اجتماع نشان می‌دهد (See: Findlay & et.al, 2006 and Endresen & Olweus, 2002). برخی از محققان ارتباطات انسانی بر این باورند که همدلی توانایی ویژه‌ای است که از طریق

1 - Hot empathy
2 - Empathy concern

آن می‌توان به نگرش فرد مقابل خویش یا به عبارت دیگر مخاطب خویش پی‌برد و دنیا را از دریچه چشم او نگریست (نصیری پور، ۱۳۹۴: ۳ - ۲).

اگر انسجام ملی را به مثابه بخشی از همدلی ملی بدانیم، همدلی را باید در سه رویکرد تعهد افراد جامعه به ارزشها و هنجارهای مشترک، وابستگی متقابل افراد جامعه به یکدیگر ناشی از منافع مشترک و احساس هویت جمعی تسری داد (Mitchell, 1981: 180). همدلی ظرفیت بنیادین افراد در تنظیم روابط، حمایت از فعالیتهای مشترک و انسجام گروهی است. این توانایی در زندگی اجتماعی نقشی اساسی دارد و نیروی برانگیزنده رفتارهای اجتماعی و رفتارهایی است که انسجام گروهی را در پی دارد. (علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲).

همدلی به مثابه همبستگی ملی از یک سو ناشی از پیوند ساختی و ارتباط متقابل ساختهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر جامعه‌ای و از سوی دیگر نتیجه بلافصل ارتقای سطح تعاملات انسانی میان اعضای اجتماع و تحکیم سطح علائق و اعتقاد آنها به سرنوشت مشترک است که نه تنها به هم پیوستن کارهای عمومی را آسان می‌سازد، بلکه بقای روابط اجتماعی و اعمال اقتدار عمومی را در چارچوب جامعه سیاسی از حیث روابط درونی و بیرونی (حاکمیت دولت و در دولت) تضمین می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۶: ۵۲) و دارای زیر بخشهای مختلفی خواهد بود:

- الف) همدلی فرهنگی یعنی اشتراک کلی در ارزشها
 ب) همدلی هنجاری یعنی هماهنگی میان ارزشهای فرهنگی و شیوه‌های رفتار
 پ) همدلی ارتباطی یعنی گسترش ارتباطات در کل سامانه اجتماعی
 ت) همدلی کارکردی یعنی وابستگی متقابل اجزای نظام یا نبود مغایرت میان آنها (نقیب زاده، ۱۳۸۰؛ عضدانلو، ۱۳۸۴).

همدلی در جامعه‌شناسی با مفهوم همگرایی و ائتلاف نزدیک است و به معنای تراکم اجتماعی - عاطفی یک گروه یا حلقه‌های همبستگی عاطفی اعضای آن است و گاه مفاهیمی رقیقتر همچون همنوایی و همناگری را به معنی تسلیم شدن به عقاید و آراء، مقررات، هنجارها

و الگوهایی می‌گیرند که معرفت اخلاقی یا نظام ارزشهای یک گروه و از آن خود کردن این امور به کار می‌رود (موکی پلی، ۱۳۷۰: ۱۶۲). بر این اساس، «همکاری آگاهانه، آزادانه و رضایتمندانه برای رسیدن به اهداف مشترک» (تهامی، ۱۳۹۴: ۵۸۴)، «زمینه‌های انسجام و توافقات سیاسی میان گروه‌های قومی و فرهنگی جامعه» (کربلایی، ۱۳۹۳: ۱) را فراهم می‌آورد. اگر احساسات مردم به کشورشان و به یکدیگر را از دید کارکردی مد نظر قرار دهیم، وظیفه هر جامعه‌ای است که تظاهرات عاطفی مردمش را تنظیم کند؛ زیرا عواطف آشکارا ضروری است. از این رو، حس همدلی احساسی است که مفهوم تعیین هویت و وفاداری را در بر دارد، بدین ترتیب در حس همبستگی ملی احساس مشترکی میان سرزمین و مردمان مختلف آن به وجود می‌آید بدون اینکه آنها از لحاظ فرهنگی و فضایی به هم نزدیک باشند (جان پروری، ۱۳۹۴: ۶۰۲ و ۶۰۱).

پیامد رسیدن به نقطه تعادل حیات درونی، دستیابی آدمی به یگانگی درونی و به دنبال آن، پیوستگی بیرونی است. پیوستگی بیرونی، متوجه خط تداوم آن یگانگی درونی در عرصه حیات جمعی برای رسیدن به اهداف تعریف‌شده فردی در صحنه حیات آدمی در جمع، جماعت، اجتماع و جامعه است. عبور فرد از دهلیز یگانگی درونی و پیوند آن با پیوستگی برونی، پلی را رقم می‌زند که وی را به ساحت‌های چهارگانه حیات جمعی - جمع (خانواده)، جماعت (اجتماع‌های اولیه اجباری)، اجتماع (جماعت فعال - اختیاری) و جامعه (جماعت گسترده و هدفمند ملی) وارد می‌سازد و زمینه‌پرور «وفاق»^۱ یا همگرایی می‌شود. وفاق محصول گرایش آدمی به حیات جمعی است و انعکاسی از همگرایی تجربه‌شده فردی در درون حیات مادی و معنوی وی است. آدمی یا به دیدگاه ارسطو مدنی‌الطبع است یا از دید کسانی چون هابز به منظور دستیابی به امنیت و گریز از ترس به حیات جمعی روی می‌آورد یا از دریچه نگاه طرفداران مکاتبی چون مکتب اصالت نفع و صاحب‌نظر مشهور آن، جرمی بنتام، نفع خود را در حیات جمعی باز می‌یابد یا در پرتوی نظریه امیل دورکهایم به دلیل پیوندهای خونی و

1 - Solidarity

وابستگی‌های خویشاوندی در حیات جمعی به سر می‌برد یا بر اساس «اصل نیاز» فطری، طبیعی و اکتسابی منشوری سه وجهی از موجودیت جمعی خویش را به نمایش می‌گذارد. به هر تقدیر، این انسان یگانه شهره در ساحت فردی در پیوند با جمع و جماعات مختلف هم‌نوعان خود به همگرایی بیشتر برای افزایش بهره‌وری خود در هستی حیات اجتماعی و جامعه ملی نیازمند است؛ در چنین موقعیتی است که به نمایش ظرفیتهای هم‌پیوندسازانه خود با دیگر هم‌نوعان خود گرایش پیدا می‌کند و آدمی در مسیر ارتباطات درون‌گروهی قرار می‌گیرد و از الگوهای چون ادغام یا آمیزش^۱ پیروی می‌کند. افراد متعددی با پیشینه‌های قومی، نژادی و ملی مختلف در کنار یکدیگر جمع می‌شوند و جامعه‌ای ترکیبی را به وجود می‌آورند. محصول این آمیزش «همبستگی»^۲ است که در تحلیل نهایی، محصول «نیاز» بشر به زندگی در کنار هم‌نوعان خویش است. در این چشم‌انداز، همبستگی اولیه ناشی از «نیاز» همه‌جانبه و چندمنظوره آدمی به دیگر هم‌نوعان به همبستگی معناداری تبدیل می‌شود که افراد را در پیکره جامعه در ارتباطی همگون^۳ قرار می‌دهد. (مطهرنیا، ۱۳۸۶: ۲۲ - ۲۱) این همبستگی نشاندهنده عمیق شدن و وسعت گرفتن ارتباط است و به هیچ وجه این معنا را منعکس نمی‌سازد که هر متغیر، تعیین‌کننده متغیر دیگر است. یکی از پژوهش‌های این معنا هم‌زبانی یا هم‌آوایی است. «هم‌آوایی» بیان‌کننده همکاری گروه‌های مختلف جمعیتی درون جامعه در جهت اهداف خاص، بدون تشکیل ائتلاف تعریف‌شده و تضمین‌شده حقوقی است که خود زمینه‌پرور همگرایی یا وفاق است. پژوهش‌های هم‌گرایی در ادبیات سیاسی، همدلی و هم‌زبانی در ادبیات جمهوری اسلامی ایران است که در ساحت حیات ملی، حالت فریه‌شده، گسترش‌یافته و تعمیق‌پذیرفته هویت ملی را به تصویر می‌کشد که از تونل وحدت و وفاق می‌گذرد و در سراپرده خرد سیاسی استحکام می‌پذیرد. از همین رو، باید همدلی و هم‌زبانی را اتم قدرت ملی کشور ایران دانست که هسته اصلی همدلی در تحلیل کلان در سه سطح یگانگی شخصیت، فرهنگی و

1 - Amalgamation

2 - Solidarity

3 - Correlational

اجتماعی بروز پیدا می‌کند به گونه‌ای که تعادل فردی در دو سطح «مدیریت عناصر قدرت درونی» و «مدیریت رفتارهای برونی» ظهور پیدا می‌کند. در چنین انگاره‌ای، انتخابهایی که افراد از میان رفتارهای جایگزین به عمل می‌آورند از یک وضعیت به وضعیت دیگر دارای هماهنگی و ثبات در خور توجهی است و انتخابهایی که افراد در وضعیت‌های خاص به عمل می‌آورند از طریق تمایلاتی که افراد را ناگزیر به انتخاب گزینه‌های معینی در وضعیت‌های دیگر می‌کند، محدود یا آسان می‌شود. در چنین فضایی با وجود میل باطنی فرد به انجام دادن بسیاری از جریانهای رفتار، فرد می‌تواند در زمان معین فقط تعداد محدودی از آنها را اجرا کند و بقیه را باید به زمان مناسب دیگر موکول کرد (مطهرنیا، ۱۳۸۶: ۲۴ - ۲۱)؛ به تعبیری دیگر، بنیان مرصوص قدرت در ارتباط با همدلی و وحدت است: «صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ». (صف/۴) در وضعیت عادی، وحدت و اتحاد و دوری از تفرقه لازم است ولی در برابر دشمن، صفوف مؤمنان باید متحدتر و نفوذناپذیر و مستحکم‌تر باشد» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۶۰۳).

ساخت درونی قدرت ملی؛ تجربه‌ها و پیامدها

استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت به معنای تقویت تمامی عناصر سخت‌افزاری و نرم‌افزای قدرت درونی در هر کشوری از جمله بدیهیات اولیه برای مصون ماندن از تکانها و نوسانات بین‌المللی و هم‌چنین، لازمه‌ای اساسی برای پیشبرد کارهای مملکتی به شمار می‌رود؛ مملکت نیز برای حفظ انسجام خود و اجرای بهینه کارویژه‌های اساسی خود به حداقلی از انرژی و ظرفیت نیاز دارد که از آن به استحکام‌یافتگی ساخت درونی تعبیر می‌شود. بنابراین مشخص است که استحکام‌یافتگی ساخت درونی لازمه حفظ ساختار جامعه و پایه‌ای اساسی برای کارویژه‌های حفظ همبستگی اجتماعی، تطبیق با وضعیت متحول محیطی، دستیابی به اهداف، حل منازعه و غیره است که از آنها به عنوان کارویژه‌های اساسی نظام اجتماعی نام می‌برند (قربانی، ۱۳۹۴: ۱). با این اوصاف، ساخت درونی قدرت متشکل از اجزا و واحدهای به هم پیوسته‌ای است که برآیند افزایش توان هر یک از این واحدها می‌تواند به تقویت مقوله اقتدار ملی در کشور منجر گردد. اجزای ساخت درونی قدرت هم در حوزه‌های نرم‌افزاری و

هم در حوزه‌های سخت‌افزاری با تکیه بر ظرفیتهای بومی و توانمندیهای داخلی قابل تعریف است. این رویکرد به مقوله اقتدار ملی در برابر نظریات وابستگی و وابستگی متقابل قرار دارد و اگر چه به ظاهر تابعی از درونگرایی است در پی ایجاد موازنه برای تعاملات راهبردی به منظور گریز از رویکردهایی است که تغلب قهریه را ترجیح می‌دهد. (اسکندری، ۱۳۹۲: ۱). از این رو، ساخت بیرونی قدرت نیز تهدیدمحور است و نقطه‌عزیمت خود را تهدید مشخص و معین قرار می‌دهد و برای مقابله با آن، منابع و آمادگیهای لازم را فراهم می‌کند و همین امر سبب پرهزینه و انفعالی بودن این رویکرد نسبت به قدرت می‌شود؛ این در حالی است که در ساخت درونی قدرت، صرفاً تهدیدی مشخص مورد توجه نیست بلکه به منابع راهبردی توجه می‌شود تا امنیت‌سازی و قدرت‌سازی به وجود آید (معاونت امور راهبردی و اشراف فرماندهی، ۱۳۹۳: ۱۵ و ۱۴).

اتکا به داخل و نیروهای خودی برای توسعه و ساخت قدرت درونی از خواسته‌های دینی است که به فراوانی می‌توان برای آن به آیات و روایات استناد کرد. آیاتی نظیر آیه مبارکه نفی سبیل و طریق برای سلطه کفار بر مسلمانان، آیه «واعدولهم مااستطعتم من قوه و من رباط الخیل» (انفال/۶۰) و غیره در راستای ساخت درونی قدرت و کاهش از وابستگی به بیرون بسیار پرکاربرد است. دلایل انتخاب این رویکرد به این شرح است:

- ۱ - مغایرت وابستگی با استقلال و عزت ملی
 - ۲ - وجود نظام سلطه و سلطه‌جویی و استثمارگری قدرتهای غربی
 - ۳ - اعتماد به کفایت و کارایی نیروها و ظرفیتهای داخلی
 - ۴ - نگاه به تجربه پیامد وابستگی دیگر کشورها به غرب
 - ۵ - نگاه به تجربه موفق کشورهای متکی به فرهنگ و ظرفیتهای داخلی
 - ۶ - ضرورت ایجاد توان کنش و واکنش مقتدرانه در برابر فشارهای دولتهای قدرت‌محور
 - ۷ - حفظ پرستیژ و توان الهام‌بخشی به دیگر ملت‌ها و دستیابی به هدف بلند تمدن‌سازی
- بویژه بین کشورها و ملت‌های برخوردار با سابقه تمدنی

۸ - ضرورت توازن قوا و تداوم توسعه قدرت به نفع نظام با استفاده از ظرفیتهای درونی (کیهان، ۱۳۹۲: ۸).

در این میان، نقش انقلاب اسلامی در ظهور و تقویت افکار استحکامبخشی ساخت درونی قدرت عبارت است از ایجاد اعتماد به نفس در ملت و جامعه، بازگشت به هویت اسلامی و ایرانی و ضرورت استکبارستیزی و مقاومت مغایر با پذیرش سلطه و هژمونی قدرتها، اثبات کارایی تفکر متکی به ساخت درونی قدرت، الهامبخشی به دیگران مبنی بر مقدر بودن اتکا به خود و عبور از فکر اتکا به قدرت بیرونی، تکرار و تعمیم الگوی اتکا به درون در عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف و تثبیت آن (مقابله با بحرانهای امنیتی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت علم و فناوری)، ارائه الگوی عملیاتی استحکامبخشی به ساخت درونی قدرت در قالب مدیریت جهادی، مرکزیت‌بخشی و تبدیل شدن ارزشهای انقلاب اسلامی به کانون الهامبخش در منطقه و جهان؛ با این اوصاف، ضرورت استحکامبخشی ساخت درونی قدرت در دهه چهارم انقلاب اسلامی را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون استمراربخشی و بقای هویت و آرمانهای انقلاب اسلامی، ضرورت دستیابی سند چشم‌انداز ادامه مسیر پیشرفت در موقعیت سخت تحریم و فشار، تجربه ناکامی نظریه‌های برونزای توسعه در سه دهه گذشته، قراردادن در دهه چهارم به عنوان دهه پیشرفت و عدالت و بسترسازی برای تحقق الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت، افزایش آسیب‌پذیری نظام در حوزه اقتصادی به دلیل غفلتهای داخلی و دشمنی‌های بیرونی، حفظ امید و ترسیم آینده روشن مبتنی بر خودیابوری، نیاز به قدرت ملی برای رویارویی با تهدیدات با اتکا به منابع داخلی، وضعیت گذار از پیچ تاریخی و سرنوشت‌ساز و جایابی در معادلات قدرت جهانی، دستیابی به آرمانها و اهداف بلند تمدن‌سازی نوین اسلامی - ایرانی، حفظ و تداوم دستاوردهای ارزشمند انقلاب در منطقه و جهان (احیای اسلام، خیزشهای اسلامی برای مبارزه با استبداد و استعمار، استکبارستیزی و روحیه شهادت طلبی)، الگوسازی انقلاب اسلامی، تجربه به بن‌بست رسیدن الگوی غرب و در سراسرایی فروپاشی قرار گرفتن قدرتهای لیبرالی خلاصه کرد. آثار و نتایج استحکامبخشی ساخت درونی قدرت عبارت است از: افزایش قدرت ملی و توان چانه‌زنی در دیپلماسی و

ایفای نقش تعیین‌کننده در تحولات منطقه‌ای و جهانی، افزایش مقاومت در برابر هر نوع فشار و باج‌خواهی بیرونی، توسعه و پیشرفت، ضمانت‌بخشی به روند رشد و پیشرفت کشور با اتکا به منابع و ظرفیتهای داخلی، حل مسائل اساسی و مشکلات پیش روی کشور، تبدیل جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای دیگر ملتها، حفظ استقلال و عزت ملی (کیهان، ۱۳۹۲: ۸).

یافته‌های پژوهش

بینش توحیدی و ایمان به الله به مثابه پایه حقیقی استحکام ساخت درونی قدرت ملی

اسلام، احیاکننده ارزشها، عواطف انسانی و استحکام‌بخش جامعه بشری، (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۷: ۲۶۲) و جمله «يَعْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/۵۵) مفهومش این است که هدف نهایی فراهم آمدن حکومت عدل و ریشه‌دار شدن آیین حق و گسترش امن و آرامش همان استحکام پایه‌های عبودیت و توحید است که در آیه دیگر قرآن به عنوان هدف آفرینش ذکر شده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي». من جن و انس را نیافریدم مگر به دلیل اینکه مرا عبادت کنند» (زاریات/۵۶)؛ عبادتی که مکتب عالی تربیت انسانها و پرورش‌دهنده روح و جان آنها است؛ عبادتی که خدا از آن بی‌نیاز و بندگان برای پیمودن راه تکامل و ترقی سخت به آن نیازمندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۳۳). بر این اساس، اتکال بر قدرت لایزال الهی که به معنای پذیرش ولایت، خواست و قدرت خداوند است، باعث تقویت قدرت نرم می‌شود: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (بقره/۱۶۵): «بدرستی که همه قدرتها مخصوص خداوند است». خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شورا/۹): «آیا براستی غیر از خدا اولیایی گرفته‌اند؟ در حالی که ولی مردم، تنها خداست». ایرانیان نیز تکیه بر قدرت لایزال الهی را مهمترین نماد ملی و دینی خود می‌دانند. از این‌رو در فرهنگ ایرانیان، خدامحوری جایگاه خاصی دارد. ایرانیان از دوران قبل از اسلام تا به حال با تکیه بر دو پشتوانه مستحکم، یعنی ملیت و تدین، که در رأس آن توحید است، توانسته‌اند عوامل اتحادساز را در نظام و جامعه خویش به‌وجود آورند. انقلاب اسلامی ایران با حرکتی که برای خدا و با هدف اجرای احکام الهی و ارزشهای توحیدی ایجاد کرد، حاکمیت

مطلق خداوند را در تمام برنامه‌های خود به منزله یک اصل پذیرفت و از آن به مثابه محرک رسیدن به هدف استفاده کرد (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۲ و ۱۱۱). اتکال بر خداوند و خدامحوری به مثابه یکی از مطلوبیتهای اساسی در جوامع اسلامی، زمینه‌های تقویت قدرت نرم از طریق ایجاد اعتماد به نفس، روحیه اقتدار و شکست‌ناپذیری، اعتماد به راه و مسیر نظام اسلامی، پیروی از رهبری و ولی فقیه در جامعه را فراهم می‌آورد. بنابراین، اعتقاد به «یدالله مع الجماعه» یکی از ملزومات راهبردی در استحکام ساخت درونی و بیرونی قدرت نظام اسلامی خواهد بود که پایه‌های قدرت ملی را قوام می‌بخشد و در برابر لرزه‌های دشمنان تا بن دندان مجهز ایمن می‌سازد و بستر مستحکمی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد. به تعبیر شهید محمدجواد باهنر در کتاب «مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی»، «پایه نظام جمهوری اسلامی بر مبنای بینش توحیدی است و بینش توحیدی به ما می‌گوید قدرت بالاسر، سلطه‌گر، ارباب و متنفذ که بخواهد ملت‌ها را به بند بکشد و اقوام را به زنجیر اسارت ببندد در منطق توحیدی اسلام مطرود است. ما در بینش توحیدی یک منبع از جنبه اثباتی در بین امت داریم که در هیچ‌یک از محاسبات اجتماعی و سیاسی و فلسفی الحادی و مادی دنیا قابل محاسبه و پیش‌بینی نیست. در محاسبات قدرت و محاسبات سیاسی دنیا، مسائلی را برای اینکه یک ملت بتواند پیروز بشود و یک انقلاب به ثمر برسد مؤثر می‌دانند؛ اما یک عامل را در این محاسبات به حساب نمی‌آورند. عاملی که مردم مسلمان و انقلابی تجربه و اثبات کردند که این نیروی عظیم وجود دارد؛ اما ملت‌های کشورهایایی که بینش الحادی و مادی با مسائل دارند از این نیروی عظیم معنوی، یعنی ایمان غافلند. در یک بینش توحیدی اصیل، منبع قدرت، ایمان به خداست» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۸۳ - ۲۸۱). بر این اساس، جامعه‌ای از استحکام حقیقی قدرت درونی و بیرونی برخوردار خواهد بود که بر ارزشهای قرآنی مبتنی باشد و به تعبیری، جامعه‌ای قرآن‌بنیان باشد؛ زیرا در پرتو قرآن و رعایت و اجرا کردن دستورهای لطیف آن است که جامعه لرزان به جامعه مستحکم، مکتبی و ایمانی مبدل می‌شود. بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب اسلامی، «نظام اسلامی و جامعه اسلامی با انس روزافزون با قرآن استحکام درونی پیدا می‌کند و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی

مطلوبه‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالشها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود؛ این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند؛ توکل به خدا را زیاد می‌کند؛ اعتماد به وعده الهی را زیاد می‌کند؛ ترس و خوف از مشکلات مادی را در انسان کم می‌کند؛ انسانها را تقویت روحی می‌کند، اعتماد به نفس می‌دهد؛ راههای تقرب به خدا را برای انسان روشن می‌کند. فواید و منافع انس با قرآن در این بخش اینها است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸).

از این رو، ایمان حقیقی به الله و وعده‌های او نیز زمینه‌های رفع ترس، دلهره، اضطراب، هرج و مرج، بی‌مواظی، سستی و رخوت، ناامنی‌های چندگانه و غیره را فراهم می‌آورد و آرامش و سکینه‌ای را به جامعه تزریق می‌کند که ویژگی برجسته استحکام قدرت ملی است که نه تنها برای نظام ملی، بلکه بین امت اسلامی نمایان است.

منطق همدلی در مستحکم سازی قدرت؛ صلابت در برابر دشمن و عطف در برابر دوست

در آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح آمده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوَابِهِ لِيُعْجِبَ الزَّرَّاعُ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.» (محمد ص) فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است؛ همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.» این آیه در مورد یکی از ویژگیهای بزرگی است که در

مورد یاران و صحابه حضرت محمد(ص) در قرآن بیان شده است. شهید باهنر در تشریح این آیه می‌فرماید: «محمد(ص) پیامبر خداست و کسانی که با او هستند یعنی یارانش که در راهش قدم بر می‌دارند و با او همیاری و هماهنگی و همگامی می‌کنند (این تعبیر، لطیفترین تعبیری است که می‌تواند همبستگی یک امت را با امام یا یک رسول یا یک رهبر نشان بدهد. یارانی که همیشه با او هستند با او هم هدف، هم رزم، همگام و هم مسیر هستند.) خصلتشان این است که نسبت به کفار سختگیرند و در بین خودشان، دل‌رحم و عطف و مهربان. بنابراین نوعی رابطه اجتماعی داشتن و تعیین خط و مسیر در این حرکت انقلابی و تکاملی و در عین حال رابطه با خدا را حفظ کردن، مطرح است. یک جا خداست؛ یک جا رهبر و یک جا امت و مردم. رهبر، رسالتش را تعقیب می‌کند و امت به دنبال رسالتش به راه می‌افتد و رابطه این امت بین خودشان، یعنی یاران و هم‌زمان و وفاداران، رابطه صمیمانه و دوستانه همراه با رحم و عطف است و در برابر دشمنان با خشونت، با سختگیری، با صلابت، یعنی بدون گذشت و بدون محافظه‌کاری برخورد می‌کنند و در عین حال، آن رابطه معنوی با خدا محفوظ است که جانی در پیکر امت اسلام باشد و آن صفای معنوی و رابطه الهی با خدا می‌تواند این حرکت را تغذیه کند و به رهروان و سالکان توان بخشد. پس در بین خودشان، دارای عطف و رحم هستند» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۴۶ و ۲۴۵). در این راستا، شهید مطهری با استناد به آیات قرآن بیان می‌کند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا (انفال/۴۵): وقتی که با دشمن روبه‌رو شدید، ثابت‌قدم باشید. دستور ثبات و استحکام و پایداری است. این چیزی است که دیگران هم به سربازان همین‌طور دستور می‌دهند و سرباز و مجاهد باید هم همین‌طور باشد. غیر از این اگر باشد نمی‌تواند سرباز باشد. البته در میان ادیان، این از مختصات اسلام است که بیروان خود را دعوت به قوت و قدرت می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۶: ۲۷۲). بر این اساس، سست نبودن در برابر دشمنان داخلی و خارجی یکی از مؤلفه‌های استحکام است. همان‌گونه که شهید مطهری بیان می‌کند: «در سوره مبارکه إِنَّا فَتَحْنَا می‌فرماید: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أُشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ. در اینجا چهره یک جامعه اسلامی ترسیم شده است و مسئله اولی که ذکر می‌کند، معیت با پیغمبر و ایمان به پیغمبر است. مرحله دوم أُشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ در مقابل

بیگانگان محکم، قوی و نیرومند بودن است. یکی از خاصیت‌های مسلمان و اولین خاصیتی که قرآن کریم ذکر کرده است، شدت، قوت و استحکام در مقابل دشمن است. اسلام، مسلمان سست را نمی‌پذیرد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹) سستی در دین اسلام نیست. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌گوید هیچ دینی به اندازه اسلام، پیروان خود را به قوت و نیرومندی دعوت نکرده است» (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۳: ۵۰۷). بنابراین، همدلی و همزبانی میان امت اسلامی و رهبر جامعه اسلامی، تحکیم‌کننده پایه‌های قدرت جامعه خواهد شد و از میزان تأثیرگذاری قدرت دشمنان می‌کاهد؛ زیرا همدلی و همزبانی، زمینه‌های ایجاد سدی محکم را در برابر معاندان فراهم می‌آورد. با توجه به این مسائل، منطق همدلی در فرایند مستحکم‌سازی قدرت ملی، دوستی و عطوفت با دوستان یا «ما» در برابر دشمنان یا «غیرها» است که دستاورد این سیاست در جامعه اسلامی، تقویت قدرت ملی در دو ساحت درونی و بیرونی است.

استحکام ساخت درونی نظام به مثابه نسخه راهبردی رسیدن به جامعه امن

یکی از مهمترین اهدافی که هر حکومتی بویژه حکومت اسلامی در پی تحقق آن است، برقراری نظم، امنیت، رفاه و آسایش شهروندان است. در سایه برقراری نظم، امنیت، رفاه و آسایش، شهروندان جامعه اسلامی مجال بیشتری می‌یابند تا به هدف نهایی خود بیندیشند و به سمت آن حرکت کنند. امام صادق(ع)، بهره‌مندی از امنیت و رفاه را در کنار تأمین عدالت، از ضروریات زندگی بشر قلمداد کرده‌اند: «سه چیز است که همه مردم بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و رفاه» (الحرانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰، به نقل از شبان‌نیا). دلیل اینکه حضرت بر این سه تأکید کرده‌اند این است که مردم در طول حیاتشان از این سه امر، بی‌نیاز نیستند و دولت مسئول تحقق آنها در زندگی اجتماعی است. برقراری نظم و امنیت برای شهروندان جامعه اسلامی به قدری حائز اهمیت است که شارع مقدس، احکام سنگینی برای اخلال‌کنندگان امنیت در جامعه اسلامی در نظر گرفته و ایشان را در زمره مجاریبان و مفسدان فی الارض شمرده است (ر.ک: مائده/۳۳). علاوه بر نظم و امنیت در حکومت اسلامی، تأمین رفاه و آسایش برای مردم نیز

اهمیت دارد به طوری که در متون اسلامی به این بُعد هم توجه ویژه‌ای شده است. علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر نخعی، هنگامی که وی را به فرمانداری مصر برگزیدند، تأکید فرمودند که بهترین زمان و مکان برای مسئولان، زمانی است که زمینه رفاه و آسایش برای مردم فراهم شده باشد (شبان نیا، ۱۳۸۹: ۲۱). براساس این بیانات، در فرهنگ قرآنی و اندیشه‌های اسلامی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود، و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، همدلی، جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی قدرت امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی را در یک بُعد مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند (دری نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۳؛ ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳). ایران بر اساس ویژگی سوم بیان شده در سند چشم‌انداز، «کشوری امن، مستقل و مقتدر» است. این رویکرد، ابعاد دفاعی - امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد. کشوری می‌تواند امن باشد که در داخل کشور، مردم از حداقل‌های زندگی برخوردار باشند و دولت نگرانی از تهدید خارجی نداشته باشد. در کشور امن، آحاد مردم از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردار هستند و در آسایش و به دور از ترس و ارباب به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند (علایی، ۱۳۹۱: ۲۱). به هر روی، نگارنده اعتقاد دارد که جامعه امن یکی از لوازم ارتقای قدرت نرم و استحکام آن است؛ زیرا در جامعه‌ای بی‌ثبات و در وضعیت آنومی نمی‌توان وحدت و همبستگی را حفظ کرد و شرایط عمران و آبادی، توسعه، کارآمدی، مشروعیت و سرمایه‌های اجتماعی نظام مخدوش می‌شود و زمینه‌های زوال قدرت به وجود می‌آید. در نقطه مقابل، جامعه امن نیز شرایط رشد اقتصادی، ثبات داخلی، اجرای برنامه‌های کلان دولتی، تعامل قوی در سیاست خارجی به پشتوانه محیط امن داخلی و غیره را فراهم می‌آورد.

اگرچه تأمین امنیت از مهمترین کارویژه‌های هر نظام سیاسی است، مانایی مبتنی بر شاکله اصلی و طی طریق در مسیر پیشرفت و تعالی همه نظامها در گروی آن است که امنیت نه

موضوعی (از دید مکان) و نه نقطه‌ای (از نظر زمان) و نه متکی بر انگاره‌ها و یا سازه‌های متزلزل، بلکه به صورت پایدار و مستحکم به دست آید. امنیت در رویارویی با تغییرات محیطی، که تلاطم آن تحت تأثیر تقاطع تنش‌آفرین منافع حیاتی بازیگران متعدد با مبانی ارزشی متعارض است، بسیار شکننده خواهد بود و از همین رو است که تأمین امنیت همه‌جانبه و مستحکم دغدغه همه دولت‌ها و بویژه دولتهایی است که محیط امنیتی آنها نامطمئن و ناپایدار است. دولت‌ها برای کنترل گسل‌های امنیتی درونی و پیشگیری از گسست‌های ناشی از ضربه‌های مستقیم یا تکانه‌های غیر مستقیم محیطی، راهبردهایی از قبیل ایجاد محیط پلیسی و امنیتی، تکیه بر ستونهای قدرت بیرونی و نیز بازی انطباقی غیر ارزشی را اتخاذ می‌کنند؛ اما جمهوری اسلامی ایران، استحکام ساخت درونی قدرت را به عنوان نسخه راهبردی تحقق امنیت پایدار خود انتخاب کرده است. استحکام ساخت درونی در گروی به کار گرفتن عقل، معنویت و توکل، نگاه به ظرفیتهای درونی، وحدت کلمه و حضور مؤثر، مستمر و هوشمندانه مردم در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است که ملات آن ایمان و آمادگی برای مجاهدت و اولویت آن ساخت درونی و باطنی خود (درون شخصی افراد و درون کلیت جامعه) است و با تکیه بر مفهوم ولایت، که تقرب خلال ناپذیر میان امام و امت در چارچوب ارزشهای اسلامی را مطرح می‌سازد، امکانپذیر می‌شود. استحکام ساخت درونی با افزایش ضریب نفوذناپذیری نظام، سلب اراده تهاجمی دشمن و در نتیجه بازدارندگی را محقق می‌سازد؛ سطح تعادل سامانه را گسترش می‌دهد؛ نوسانها و موجهای طبیعی جریانهای داخلی را هضم می‌کند؛ منشور امنیت را چندوجهی می‌سازد؛ شبکه گسترده‌ای از رصد، پایش و مقابله را با پیوند هم‌افزا و اثربخش میان تک تک سلولهای مردمی شکل می‌دهد و مسئولیت امنیت را از دولت به ملت - دولت شکل یافته در یک قالب واحد منتقل می‌کند. استحکام ساخت درونی قدرت، مبنای امکان‌سازی پایداری امنیت جمهوری اسلامی ایران بر پایه دو مکمل دین اسلام و امت مؤمن، و دو عرصه ساخت حقوقی به معنای چارچوبها و فرایندهای ملی تحقق آرمانها و ساخت حقیقی دنبال می‌کند که حفظ آرمانها و جهتگیریهای ارزشی به عنوان جوهر و روح حاکم بر ساخت حقوقی را شامل می‌شود (ظریف منش، ۱۳۹۴: ۴۰ - ۳۹). مردم، نخبگان و

نظام سه رکن الگوی استحکام ساخت درونی نظام هستند و کارآمدی، پاسخگویی، اقتدار درونزا، هویت ملی قوی، نبود فقر و فساد و تبعیض، عدالت، زیاد بودن سرمایه اجتماعی، تقویت نهاد خانواده، قانونگرایی و انسجام درونی از اصول عام استحکام قدرت ملی است و مردم سالاری دینی، بصیرت مردم و نخبگان، سبک زندگی، همراهی اقوام و مذاهب و پرهیز از اشرافی‌گری اصول خاص این الگو است. در این میان، اگر تدابیر امنیتی به پیش از بحران، هنگام بحران و پس از بحران تقسیم شود، الگوی استحکام ساخت درونی نظام به دوران پیش از بحران متعلق است و ماهیتی پیشگیرانه و بازدارنده دارد؛ به عبارتی، این الگو به جلوگیری از شکل‌گیری زمینه‌ها و بسترهای ناامنی معطوف است. کارکرد این الگو به گونه‌ای است که باعث هم‌افزایی بخشها و نهادهای گوناگون در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است؛ در عین حال، فعال شدن تهدید خارجی و یا تبدیل چالش و تهدید بیرونی به فرصت با سطح توانمندی داخلی ارتباط مستقیمی دارد؛ به عبارتی، زمانی که دشمن در داخل اختلاف و یا سستی مشاهده کند، توان خود را برای تهدید کشور به کار می‌گیرد. کارآمدی مهمترین اصلی است که در حوزه نظام قابل طرح است و بین مردم، بصیرت، اصل اساسی به‌شمار می‌آید و وجود این دو اصل، موجب برقراری ارتباط، انسجام، پیوستگی و همدلی بین دو رکن مردم و نظام می‌گردد. با توجه به این واقعیت، استحکام ساخت درونی مبتنی بر همدلی و هم‌زمانی می‌تواند باعث ارتقای ضریب امنیتی کشور شود و توان بازدارندگی را افزایش دهد و به یک معنا، امنیت همه‌جانبه و جامعه امن را به ارمغان خواهد آورد. جامعه امن ناشی از استحکام ساخت درونی نظام، جامعه‌ای است که در آن زمینه‌های آسیب‌پذیری به حداقل خواهد رسید و بسترهای شکوفایی مادی و معنوی کشور فراهم می‌شود. از آنجا که اقتدار، نتیجه برطرف کردن آسیب‌ها و ضعف‌ها و تقویت نقاط قوت است، برآیند اقتدار درونزا، تحقق جامعه امن است (عسگری و سعید کلاهی، ۱۳۹۳: ۲۷).

رعایت مصالح عمومی و استواری پیوندهای اجتماعی عامل پایداری قدرت

پایداری صرفاً به معنای حفظ ظرفیت در سامانه‌ها نیست، بلکه اشیا، امور، وضعیت‌ها، افراد و... را نیز شامل می‌شود. اگر تداوم بهره‌دهی زیست بوم به معنای پایداری است، برای شیئی متحرک، حرکت و برای وضعیت یا شیئی ایستا، تداوم ایستایی به معنای پایداری است. بنابراین پایداری، وجود، حضور و تداوم خاصه، صفت، ویژگی، کارکرد و کیفیت ذاتی یا تعریف شده برای یک فرد، شیء، سامانه و وضعیت در طول زمان است. فرهنگها، ایدئولوژیها و... همواره معنا و انتظاراتی متفاوت از پایداری پدید می‌آورد. پایداری مثبت قوی شرایطی است که هیچ‌گونه اختلالی در عملکرد سامانه یا صورتبندی وضعیت مشاهده و پیش‌بینی نمی‌شود و کاربران، طراحان و ذی‌نفعان رضایت دارند و همه چیز مطلوب است (قیصری، ۱۳۹۲: ۴۹ - ۴۸). در این راستا، پایداری قدرت بر مهار اختلالهای قدرت و تقویت مؤلفه‌ها و منابع قدرت در سطوح مختلف ناظر است که میزان تأثیرگذاری آن بسیار زیاد است.

قدرت نرم در گفتمان اسلامی بر اساس همیاری و سازگاری میان کارگزاران قدرت (اعم از دولت و ملت) و نه جدا از هم تصویر می‌شود و این سازگاری و تعاون بر اساس وجود بنیان اعتقادی واحد، اهداف سیاسی یکسان، مصلحت‌اندیشی دولت متناسب با نیازهای ملت، نقش‌آفرینی رهبری به مثابه محور پیوندهای اجتماعی و اصل احقاق حقوق ملت به دست می‌آید (افتخاری، ۱۳۸۸: ۳۹). به استناد تاریخ انقلاب اسلامی، پایدارترین نوع قدرت ملی و امنیت پایدار این است که بر سازگاری هنجاری افراد و پیوندهای اجتماعی، احساس همدلی و یکپارگی هرچه بیشتر آنان نسبت به یکدیگر و مصالح عمومی استوار شده باشد. بدیهی است انتخاب راهکارهایی که به تقویت و گسترش روزافزون این احساس کمک رساند به‌طور قطع به همان میزان ضریب امنیتی جامعه را نیز افزایش می‌دهد؛ از جمله سازوکارهای مؤثر در این رابطه، ایجاد و تقویت روح فرانگری و ترجیح منافع ملی بر منافع فردی و شخصی در جامعه است که تنها با گسترش فرهنگ مشارکت و بویژه احترام و ارج نهادن به شخصیت افراد است که می‌توان به تبلور و تجلی آن امیدوار بود. امام خمینی (ره) با عنایت به این واقعیت و نیز

تأثیرگذاری و کارآمدی مشارکت جوانان در عرصه‌های مختلف می‌فرماید: «جوانان متعهد در طول تاریخ و خصوصاً دانشجویان مسلمان در نسل حاضر و در نسلهای آینده، سرمایه‌های امیدبخش اسلام و کشورهای اسلامی هستند. اینانند که با تعهد و سلاح و استقامت و پایداری می‌توانند کشتی نجات امت اسلامی و کشورهای خود باشند و این عزیزانند که استقلال و آزادی و ترقی و تعالی ملتها مرهون زحمات آنان است» (عطارزاده، ۱۳۸۵: ۳۱؛ دفتر امور فرهنگی، ۱۳۹۲: ۱۱). پس، بقا و استقرار هر حرکت اجتماعی و رفتاری دیندارانه مستلزم در نظر گرفتن مصالح جامعه است و بر این اساس، اصول حاکم بر روابط افراد جامعه بر دو اصل اساسی مبتنی است: آمیختگی اصالت افراد و جمع و ترجیح مصلحت فرد و استواری پیوندهای اجتماعی در جهت رضای الهی (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). به اعتقاد شهید بهشتی، یکی از مترقی‌ترین و بارورترین پیوندهای اجتماعی، پیوند فکری و عقیدتی است که انسانهای معتقد به یک راه، یعنی یک مذهب یا مسلک را به هم می‌پیوندد. این پیوند فکری و عقیدتی می‌تواند آن قدر نیرومند و پر اثر باشد که همه پیوندهای دیگر را تحت الشعاع خود قرار دهد (حسینی بهشتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

ساخت حقیقی قدرت ملی؛ هویت جمعی

اصلی‌ترین عنصر قدرت هر کشور در دنیای کنونی عنصر فرهنگی آن است. امروزه قدرت، که با مفاهیمی مترادف نفوذ، اقتدار و حتی مشروعیت ابتننا دارد به قدرت هدایت کردن، جذب کردن و سرمشق تعبیر می‌گردد. نظر به اهمیت ارتباط تنگاتنگ قدرت نرم با قدرت بیشکلی نظیر فرهنگ به نقش‌آفرینی و تأثیر هویت فرهنگی به عنوان مهمترین منبع قدرت نرم پی می‌بریم و به اثرگذاری این شکل از قدرت در جهت پایداری یک سامانه سیاسی فرهنگی رهنمون می‌شویم. هویت فرهنگی مثبت یا منفی بر افزایش یا کاهش قدرت ملی تأثیر مستقیمی دارد که از این طریق ضریب امنیت ملی نیز دچار تحول می‌شود. هویت فرهنگی به واقع یکی از مؤلفه‌های ساخت درونی قدرت به‌شمار می‌رود. هر قدر ارزشهای هویت فرهنگی در سطوح مختلف جامعه تجلی بیشتری یابد، می‌تواند به عنوان منبعی مطمئن برای تقویت و استحکام

قدرت ملی باشد و در نتیجه امنیت جامعه به دلیل افزایش قدرت ملی، وضعیت مطلوبتری پیدا کند. از سوی دیگر نفوذ و توسعه هویت فرهنگی منفی در جامعه می‌تواند ضمن تضعیف قدرت ملی، منبع تولید تهدیدات نرم باشد که در پی آن، امنیت و ابعاد آن نیز به مخاطره خواهد افتاد؛ به این ترتیب میان هویت فرهنگی، امنیت و قدرت ملی، رابطه‌ای ارگانیک از طریق رفتار اعضای جامعه و نوسانات قدرت وجود دارد (شعبانی، ۱۳۹۲: ۱۳۹۰). به هر سوی، هویت ملی به مثابه نیرویی قوی در جامعه، (بارت و استفان، ۱۳۸۱: ۴۸ - ۴۲) و تولیدکننده اقتدار سیاسی و ملی است. هویت منسجم، تشکیل‌دهنده ساخت حقیقی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است. از دید رهبر معظم انقلاب اسلامی، «همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۲۴).

جمهوری اسلامی ایران از مؤلفه‌های اصیل و جذاب هویتی برخوردار است که پدیده‌ای به نام همگرایی و انسجام در حلقه‌های بزرگ و پایدار را به وجود آورده است. در این میان، تعامل و هم‌افزایی فرهنگ و هویت ایرانی با اندیشه‌های الهی اسلام، هویت ممتاز و قدرتمندی ایجاد کرده است به گونه‌ای که با وجود تنوع و خرده فرهنگ‌های متعدد زبانی، نژادی و سنتی در جامعه ایرانی، گفتمان مشترک دیانت و سیاست قدسی آنها را همزمان در کنار یکدیگر قرار داده و موجبات اقتدار و قدرت درونی و بیرونی را فراهم نموده است؛ به عبارتی، هویت اسلامی - ایرانی رمز استقلال، استحکام درونی قدرت و مانعی در برابر قدرتهای بزرگ است. از این رو، هیچ استقلال و انسجام مقتدری به دست نمی‌آید مگر اینکه هویت جمعی تقویت، و در برابر آسیب‌ها و چالش‌های درونی و بیرونی از آن محافظت گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵). دستیابی به انسجام و همدلی ملی در درون جوامعی نظیر ایران، که از تجمیع مذهبی ایجاد شده‌اند، بیش از هر چیز به تحکیم مؤلفه‌های حیات هر جامعه بستگی دارد که هویت آن

جامعه اسلامی است. هویت ملی زیربنای تمامی هویتهاست؛ چرا که شکل‌گیری اقسام دیگر هویت تحت تأثیر هویت ملی قرار می‌گیرد. در جامعه متنوع و گوناگونی مثل ایران هویتی موفق و کارساز است که صفت ملی آن در برگیرنده تمام هویت‌های قومی، مذهبی و فرهنگی سرزمین باشد و هویت ملی هم تنها در سایه اهتمام دولت نسبت به ایجاد وضعیت عادلانه و برقراری روابط احترام‌آمیز و به رسمیت شناختن لایه‌های فرهنگی و هویتی و حقوق سیاسی اجتماعی اقوام مختلف پدیدار خواهد شد (اصلائی و مالکی، ۱۳۹۴: ۳۱۸).

دستاوردهای همدلی در آوردگاه استحکام قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

۱ - حضور همدلانه مردم به مثابه ستون قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران

عزم راسخ مردم و مسئولان در راستای هدفهای آرمانی، بعد داخلی قدرت جمهوری اسلامی ایران را تقویت می‌کند و به تعبیری «در پیشرفت به سمت هدفهای آرمانی، باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید؛ اساس کار این است. ما اگر می‌خواهیم این راه را ادامه دهیم و به این سمت حرکت کنیم و این هدفها را دنبال کنیم و چشم به این آرمانها بدوزیم و پیش برویم و در مقابل این معارضه‌ها ایستادگی کنیم و صبر و توکل را به کار بگیریم، باید ساخت قدرت ملی را در درون کشور تقویت کنیم و استحکام ببخشیم. عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است؛ برخی هم عناصر فصلی است. آنچه جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه با مشکلات حفظ کنند؛ عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند؛ دچار تزلزل نشوند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰). اقدام در راستای تقویت ساخت درونی کشور باید با در نظر گرفتن تمام جوانب مسئله باشد و کوشش در این راستا در صورتی به نتیجه خواهد رسید که با همکاری و همدلی همه آحاد ملت و مسئولان صورت پذیرد و همگی با عزم جدی در این وادی قدم بردارند (قربانی، ۱۳۹۲: ۱). در این میان، وحدت، همبستگی و همدلی، جوهره قوام و پایداری است که در پرتو آن نیز توان استقامت و استحکام مسلمانان در برابر دشمنان چندین برابر می‌شود (زمانی محجوب، ۱۳۹۳: ۹۰). ساخت درونی قدرت بر ایجاد توانمندیهای لازم در عرصه علم و فناوری،

فرهنگی، اقتصادی، نظامی، امنیتی متکی است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد و از طرفی حضور مردم در عرصه‌های مختلف انقلاب اسلامی باعث اقتدار نظام شده است که نمونه بارز آن حضور مردم در دفاع از انقلاب اسلامی در دوران دفاع مقدس است (پوراابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳). به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «جمهوری اسلامی به پایه‌های راسخ مستحکم است و مهمترین پایه این جمهوری و راسخترین عمود این خیمه، شما مردم هستید. هر دولتی استحکام و اراده و آگاهی و آمادگی شما را داشته باشد، آسیب‌ناپذیر است» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۱۹).

۲- تأثیر همدلی در ساخت قدرت ملی بر دستیابی به اهداف جمهوری اسلامی ایران

مبانی قدرت در جمهوری اسلامی ایران بر مؤلفه‌هایی مانند اخلاق، خدامحوری، ولایت‌پذیری، دعوت، عقلانیت، فرهنگ غنی و... استوار است که شکل‌دهنده ساختار قدرت در جمهوری اسلامی ایران است و موفقیت‌های زیادی را در داخل و خارج به دنبال داشته است (جعفری‌پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۶؛ قربی و جعفری، ۱۳۹۴: ۳۷). شناخت این سازوکارهای مستحکم‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی می‌تواند پیش‌نیازی برای تحقق هدف استحکام ساخت درونی قدرت ملی باشد (حسن‌خانی و سعیدی، ۱۳۹۳: ۸۸). در عین حال، توجه به عناصر و مؤلفه‌های تمدن اسلامی و تمدن‌سازی نوین اسلامی برآمده از منابع علمی اسلامی و اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی به استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی و افزایش قدرت درونزای آن خواهد انجامید (خزائی و دوانی، ۱۳۹۴): به یک معنا، رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران به منابع قدرت، ماهیتی هدایت‌گونه و یا زمینه‌ساز هدایت به آنها بخشیده است و به طورکلی، قدرتی که از خلال آموزه‌های دینی برای انسان، جامعه و دولت به دست می‌آید، کمتر تحت تأثیر و توجه اجبار جسمانی و مادی قرار می‌گیرد؛ چرا که هدف نهایی دین و نظام سیاسی برآمده از آن، منحصر در هدایت و رساندن انسان به خیر و سعادت اخروی، و مقتضای این مسئله نیز اقناع مخاطب پیام است؛ نه اجبار، تهدید، تطمیع و اغوا. این مسئله موجب حاکم شدن عوامل اخلاقی، عدالتی و انگیزه‌های فردانیایی و ارزشهای

معنوی بر منابع قدرت می‌شود. روشن است که در چنین وضعیتی، قدرتی نرم افزاری خواهد بود و ابزارهای سخت‌افزارانه در درجه دوم اهمیت و به عنوان عوامل زمینه‌ساز مطرح است. بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران توانست جایگاه قدرت نرم را در ایجاد حرکت‌های اجتماعی و تحقق اهداف کشورها به جهانیان نشان دهد و با احیای معنویت و دین، که قرن‌ها از صحنه مدیریت اجتماعات بشری کنار گذاشته شده بود از منابع جدید قدرت رونمایی کند (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۵ و ۳۴) که یکی از مهمترین آنها در سطح ملی، وحدت و همدلی میان مسئولان و مردم در نظام امام - امت است. بر اساس زیرساختها و الزامات فکری و فرهنگی در اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه و تقویت و تحکیم ارزشهای اسلامی و اخلاقی حوزه‌های فردی و اجتماعی و هم‌چنین برجسته‌سازی مستمر و همه‌جانبه اندیشه‌های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) در حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرایی دستگاه‌های نظام جمهوری اسلامی بویژه سازمانها و نهادهای فرهنگی و آموزشی و اصلاح‌نوسازی نظام آموزشی و تعلیم و تربیت کشور و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویتهای نرم‌افزاری نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود. افزون بر این می‌توان به ابعادی از قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری فرهمند امام خمینی، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی‌محور، جنبش نرم‌افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد.

انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از اعتماد ملی به عنوان سرمایه اجتماعی توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع تمام اقشار و گروه‌ها و دستجات ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ استقلالی، بسیجی، سازندگی، اصلاح‌طلبی و عدالتخواهی را در جامعه گسترش بخشد. وفاق اجتماعی به عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی چون همفکری، هم‌احساسی، هم‌کنشی و شکل‌گیری ذهن اجتماعی بپردازد که به همکاری و تعامل میان گروه‌های مختلف اجتماعی می‌انجامد و نظم درونی و بی‌نیازی از نظم بیرونی و سیاسی را آشکار سازد؛ زیرا در پرتوی انقلاب اسلامی، پایایی و پویایی نظم درونی افزون‌تر، و ضریب اعتماد اجتماعی میان گروه‌های گوناگون جامعه

از یک سو و مردم و دولت از سوی دیگر ارتقا یافته است. همبستگی ملی، همدلی و همزبانی و مشارکت عمومی به عنوان مظهر قدرت نرم در انقلاب اسلامی توانسته است تقبل آگاهانه و شرکت مؤثر همه افراد جامعه برای رسیدن به اهداف خاص و اجرای نظام اعتقادات، باورها، گرایشها و اندیشه‌ها را تجلی بخشد و همیاری آگاهانه، داوطلبانه و از روی میل و رغبت را با استفاده از تمامی امکانات بالقوه جمعی همراه با حساسیت و مسئولیت‌پذیری و قانونگرایی در فرایند انقلاب اسلامی گسترش دهد. افزایش اعتماد بین مردم و نیز میان مردم و کارگزاران به عنوان سرمایه اجتماعی نه تنها در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی که پس از استقرار آن در تداوم آرمانها و اهداف انقلابی مؤثر واقع شده است. رغبت مردم به مشارکت در صحنه تظاهرات و انتخابات و شوق آنان به اجرای منویات و خواسته‌های رهبری در مسیر حرکت در جهت اهداف و آرمانهای انقلاب از احساس مسئولیت آنان در برابر سرنوشت کشور و افزایش همبستگی ملی و همدلی از رهگذر گسترش مشارکت عمومی حکایت دارد. (دهشیری، ۱۳۸۵: ۷۳-۶۷).

لازمه رسیدن نظام مقدس جمهوری اسلامی به اهداف والای خود و زمینه‌سازی برای تحقق ارزشها و احکام اسلامی این است که امنیت ملی در سطح قابل قبولی تضمین شود. ساخت قدرت و اقتدار ملی این امنیت را تضمین می‌کند. ساخت قدرت جمهوری اسلامی به موضوع اقتدار ملی بر می‌گردد و نتیجه اقتدار ملی همانا امنیت ملی برای نظام مقدس جمهوری اسلامی و جامعه اسلامی است. اگر اقتدار کافی در کشوری ایجاد شود، آن کشور مطمئن خواهد شد که بدون تهدیدهای داخلی و خارجی به اهداف عالی و ارزشهای والایی می‌رسد که خود را به آنها متعهد می‌داند. همان‌گونه که اشاره شد، قدرت ملی امنیت ملی را به دنبال دارد و امنیت ملی هم لازمه پیشرفت در ابعاد مختلف تمدنی است؛ به همین دلیل، باید جامعه را به‌گونه‌ای اداره کرد که تک تک مردم احساس امنیت و آرامش کنند. آنها باید بدون دغدغه به فعالیتهای اصلی و مورد نیاز جامعه بپردازند؛ در عین حال باید توجه کرد که جمهوری اسلامی ایران طلایه‌دار شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر است بویژه در حالتی که نظام سلطه جهانی به سرکردگی امریکا، داعیه‌دار جهان تک‌قطبی است و استمرار پایداری

جمهوری اسلامی ایران را معارض با بقا و موجودیت خویش می‌بیند و با گسترش انقلاب اسلامی از طریق نهضت بیداری اسلامی، دشمنی و تهدیدات ابرقدرتها علیه جمهوری اسلامی ایران روزافزون خواهد بود و دستیابی به سطح بالاتری از ساخت قدرت و اقتدار ملی به عنوان نیاز ملی ایران بوده و هست. با این اوصاف، اقتدار و قدرت ملی پیامدهای فراوانی در عرصه‌های داخلی و خارجی دارد؛ از جمله اینکه قدرت ملی باعث احساس امنیت عمومی در جامعه می‌شود که بر دکترین و راهبردهای دفاعی کشور تأثیر می‌گذارد. در پی آن، هزینه‌های دفاع ملی کاهش می‌یابد و حتی از محل به‌کارگیری صنعت دفاعی در مقاصد غیر دفاعی درآمدهایی برای مقاصد غیر دفاعی کشور به دست می‌آید. همین‌طور، قدرت ملی می‌تواند فضای مساعدی ایجاد کند تا اهداف ملی و ارزشهای حیاتی کشور (از جمله ارزشهای اسلامی و انقلابی) تحقق یابد. هم‌چنین می‌تواند زمینه‌ساز حفظ هویت اسلامی ایرانی باشد و از خطرهای و تهاجماتی پیشگیری کند که به هویت ملی ایرانیان آسیب می‌رساند. (علی احمدی، ۱۳۹۴: ۲۹۷ - ۲۹۱).

اگر اقتدار ملی در حد قابل قبول باشد با شفافیت در اطلاع‌رسانی و تبلیغ عملکرد نظام، موجبات جلب اعتماد مردم فراهم می‌شود. این تبلیغات باید آگاهی مردم را درباره مخاطراتی افزایش دهد که نظام را تهدید می‌کند تا مخالفان احتمالی نظام در تنگنای افکار عمومی قرار بگیرند و قدرت مانور و جولان سیاسی آنها محدود شود. این کار زمینه پذیرش قوانین و مقررات اسلامی را در جامعه فراهم می‌کند. اگر سطح اقتدار ملی قابل رقابت با کشورهای دشمن یا رقیب باشد، می‌توان صنایع و فناوریهای دفاعی مبتنی بر پیشرفتهای پولی و فناوری را توسعه، و سطح عملکرد نیروهای مسلح را ارتقا داد. اقتدار ملی موجب افزایش غرور ملی، عزت عمومی و در پی آن، احساس شادمانی و همبستگی مردم و همین‌طور همبستگی بین مردم و حاکمیت می‌شود. اگر اقتدار ملی بویژه در حوزه فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد، مزیت‌های رقابتی فراوانی در کشور و در صحنه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود؛ با این کار، ارزش افزوده اقتصادی به‌وجود می‌آید و امکان بازتوزیع ثروت برای توده‌ها فراهم می‌شود. از این طریق، عدالت اجتماعی بهبود می‌یابد و اختلاف طبقاتی کاهش می‌یابد. با

افزایش اقتدار ملی، نه تنها هزینه‌های دفاعی کاهش پیدا می‌کند؛ درآمدها و در پی آن، درآمد سرانه مردم هم افزایش پیدا می‌کند؛ با این کار، سطح رفاه عمومی ارتقا می‌یابد؛ در حوزه اقتصادی، به ایجاد کسب و کارهای دانش‌بنیان و توزیع فرصت‌های شغلی جدید برای جذب جوانان منجر می‌شود؛ هم‌چنین ارتقای سطح بهداشت، امنیت و آموزش را (که همگی لازمه تحقق عدالت اجتماعی است) به ارمغان می‌آورد؛ همین‌طور پیشرفت علم و فناوری و منابع درآمدی مکمل نفت و مالیات را برای کشور به همراه می‌آورد. از این طریق، نه تنها بخشی از آسیب‌پذیریهای فعلی (از ناحیه دشمن) کاهش پیدا می‌کند، بلکه ظرفیت ملی برای حضور در صحنه‌های بین‌المللی رشد می‌کند. هم‌چنین افزایش قدرت ملی باعث افزایش قدرت چانه‌زنی در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود؛ به تأثیر حضور فعال ایران در تعاملات بین‌المللی و مدیریت فعالیت‌های منطقه‌ای و جهانی کمک می‌کند و موجب کم‌اثر شدن آثار تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران (یا حتی رفع آنها) می‌شود؛ می‌تواند استقلال سیاسی کشور را تقویت کند و تهدیدات دشمنان، بویژه نظام سلطه را دفع کند. افزایش اقتدار ملی در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم نظام سلطه کمک کند و همین‌طور باعث گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و صدور آن به کشورهای اسلامی (حتی کشورهای مستضعف عالم) شود. (علی احمدی، ۱۳۹۲: ۲۹۷ - ۲۹۱).

به فرموده امام خامنه‌ای: «مردم باید وحدت خودشان را حفظ کنند؛ باید همدلی و بنیان مرصوص وحدت ملی را، که بسیار باارزش و ارجمند است، حفظ کنند. علاج دردهای ملت در بلند مدت و کوتاه مدت، وحدت و یکپارچگی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۱/۰۱).

۳- برپایی دولتی مقتدر و تثبیت نظام سیاسی؛ جامعه همدل و دولت مستحکم

ملت را می‌توان یک واحد بزرگ انسانی تعریف کرد که عامل پیوند آن فرهنگ و آگاهی مشترک است. از این پیوند است که احساس تعلق به یکدیگر و اساس وحدت میان افراد متعلق به آن واحد پدید می‌آید. در واقع ملت جزء مهم دولت، و یکی از ارکان اساسی و مهم آن است که بی‌وجود ملت، دولت مفهوم خاص خویش را نخواهد داشت. از این‌رو در صورتی

که میان ملت و دولت وحدت، همدلی و همزبانی همه‌جانبه برقرار باشد، چنین ملتی هرگز اجازه نخواهند داد دولت در مشکلات و گرفتاریها تنها بماند و به ضعف و انحلال دچار شود. در عین حال، یکی از تفاوت‌های اساسی نظام سیاسی اسلام با مکاتب سیاسی و حقوقی معاصر در مرزبندی میان «ملت و امت» است. اسلام به این دلیل که جاودانه و جهانشمول است و جامعه بشری را مخاطب خویش می‌داند، بدون توجه به مرزهای سرزمینی و تفاوت‌های نژادی، زبانی، ملی و فرهنگی از میان همه انسانها سربازگیری می‌کند و نام «امت واحده» را بر پیروان خویش می‌نهد. تشکیل امت واحده و اسلامی فراگیر در سایه اتحاد کلمه و همدلی میسر است. در این میان، اگر جامعه از همدلی و همزبانی برخوردار باشد، مسلماً دولت مقتدری به وجود خواهد آمد که در تمام عرصه‌های داخلی و جهانی جلوه‌گر خواهد شد (کریم پور، ۱۳۸۶: ۶۵-۶۲). بنابراین مهمترین پیامدهای همبستگی اجتماعی و همدلی عمومی را می‌توان کارآمدی نظام و تثبیت نظام سیاسی قلمداد کرد. در نظام‌های سیاسی با پشتوانه مردمی، که وفاق و انسجام اجتماعی زیاد است، مردم حامی واقعی نظام هستند؛ زیرا آنان نظام را متعلق به خود می‌دانند و در مشکلات و بحرانها به کمک نظام می‌شتابند؛ از این رو، نظام، کارآمد و باثبات است. این امر لازمه هر نظام مردمی و پویاست. عوامل زیادی در کارآمدی نظام مؤثر است؛ از جمله هماهنگی میان اجزا و قوا و نهادهای زیر مجموعه هر نظام است؛ یعنی اگر نظامی که مردم حاکمان را از خود می‌دانند، روابط صمیمانه با آنان داشته، و میان اجزای نظام، قوای سه‌گانه و لایه‌های زیرین با هم همدلی و هماهنگی باشد، قطعاً چنین نظامی کارآمد و با ثبات خواهد بود. از سوی دیگر عامل مؤثر در کارآمدی نظام را تناسب بین اجزای نظام تشکیل می‌دهد؛ یعنی اگر عناصر درون نظام و اجزا و بدنه قدرت از نوک هرم تا قاعده آن همه و همه در خدمت نظام باشند، کارآمدی و تثبیت آن نظام تضمین خواهد شد (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۸۶ - ۱۷۵). در یکی از بیانات فرماندهی کل قوا اذعان شده است: «همدلی ملت و دولت و وحدت صفوف ملت، یکی از شرط‌های اساسی کار است. این را باید حفظ کنید و نگذارید دشمنان بین شما تفرقه بیندازند: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا...» (آل عمران/۱۰۳) تلاش ملت، دولت، مسئولان، عناصر فرهنگی، عناصر اقتصادی، نیروی کار زن و مرد، همه و

همه باهم است؛ لذا صفوف ملت هم باید با یکدیگر متحد و همدل و هم‌صدا باشد و همگام و هم‌جهت شود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۲۸).

۴ - تحقق اهداف متعالی نظام و منافع حیاتی ملی

هر ساخت اجتماعی و سیاسی به زمینه‌ها و شرایطی نیاز دارد که پایایی و پویایی خود را مرهون آنهاست. هر جامعه‌ای دسته‌ای اهداف، منافع و آرمانها دارد که اعضا را برای دستیابی به آنها از طریق برخی وسایل پذیرفته شده، تشویق می‌کند (نک: علی بخشی، ۱۳۸۹: ۱۶)؛ اما بی‌شک شرط ضروری و گام نخست برای رسیدن به این منافع عمومی، فراهم آوردن زمینه‌هایی است که حرکت اعضا را به سوی اهداف آسان کند و در مرحله بعد زدودن شرایطی است که مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف مورد نظر جامعه به شمار می‌آید. وجود شکاف، تنش و گسستگی بین لایه‌های گوناگون جامعه، چون گسلی عمیق و دامن‌گستر مانع پویایی و حرکت نظام اجتماعی در مسیر دستیابی به اهداف و منافع ملی است و در مقابل، همدلی و همبستگی بین بخشهای مختلف نظام اجتماعی، حرکت جامعه را در رسیدن به منافع حیاتی سرعت می‌بخشد و به جامعه کمک می‌کند در زمان کمتری به اهداف دست یابد (مریجی و چراغی، ۱۳۸۹: ۶۰). از این رو، می‌توان گفت به هر میزان انسجام اجتماعی، وحدت و همبستگی ملی و علاقه‌مندی ملتی در مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر نظام، مشابه و همدلانه و هم‌زمانانه باشد، چنین ملتی براحتی و سریعتر از حد انتظار به اهداف و آرمانهای متعالی و چشم‌اندازهای بلندمدت ترسیم شده از سوی رهبران خود خواهند رسید. ملتی که دارای همبستگی ملی است و از وحدت، همدلی و یکرنگی بهره می‌برد براحتی با مشارکت عمومی شهروندان خویش به تحقق اهداف متعالی نظام خویش و منافع حیاتی خویش دست خواهد یازید. مشارکت عمومی، آن‌گاه که آگاهانه و با مدیریت و برنامه‌ریزی درست به جریان افتد، شکل اجتماعی به خود می‌گیرد و همبستگی ملی و انسجام اجتماعی را تقویت خواهد کرد. روشن است ملتی واحد، منسجم و یکپارچه، که با همبستگی، همدلی و مشارکت عمومی در بازسازی و تحقق اهداف و آرمانهای ملی خویش در تلاشند، توطئه‌ها و تبلیغات روانی

دشمنان و معاندان حاکمیت ملی و دین را در ناکارآمد جلوه دادن نظام و در رفع و حل مشکلات اجتماعی و مطالبات عمومی ناکام خواهند گذارد. بی تردید همدلی و همزبانی همچون بنیانی مرصوص خواهد بود تا مردم و دولتمردان در تحقق اهداف و آرمانهای ملی خویش بکوشند (فولادی، ۱۳۸۴: ۸۹ و ۸۸). بر این اساس «به برکت همدلی و همکاری و همراهی قشرهای مختلف بوده که بحمد الله کارها پیش رفته و ما توانستیم در مقابل مشکلات بایستیم و آنها را در مقابل اراده عمومی این ملت خاضع کنیم. بعد از این هم، همین طور خواهد بود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۵/۱۵).

۵ - پاسداشت عزت ملی و استقلال همه جانبه

براساس اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی: «با انسجام و اتحاد کلمه و همدلی، کشور در سیاست خارجی و مسائل جهانی عزت و هیبت پیدا می‌کند و در اجرای مقررات و سیاستهای لازم در داخل، قدرت می‌یابد. بنابراین انسجام و وحدت و همدلی و همفکری، بسیار مهم است (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸). عزت ملی برای تعالی نظام سیاسی بسیار حائز اهمیت است و زمینه‌های برپایی قدرتمندی، امنیت‌مداری و پیشرفت همه‌جانبه را فراهم می‌آورد. «عزت ملی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود و الا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او، و همه چیز او. عزت ملی بایستی محفوظ بماند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۱۹). لازمه تحصیل عزت ملی، استقلال همه‌جانبه و پایدار است که به وسیله همدلی و مجاهدت عمومی به دست می‌آید.

با توجه به مبانی نظری و ریشه‌های کسب قدرت، عزت و استقلال در اسلام، می‌توان از فرهنگ مقاومت و روحیه شهادت‌طلبی به‌مثابه یک مؤلفه قدرت ملی یاد کرد که در پرتوی همدلی و وفاق امت اسلامی به دست می‌آید که دستاورد آن، عزت ملی و استقلال خواهد بود. مقاومت و شهادت در اندیشه سیاسی شیعه، عامل نجات‌بخش و هدفی راهبردی تلقی می‌شود که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان است. حضور این دو عنصر در حیات

سیاسی و اجتماعی مسلمانان در به وجود آوردن هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان نقش برجسته‌ای دارد و در هر دوره‌ای که از آن غفلت شده، بیچارگی و ذلت را به دنبال داشته است. این دو عنصر (مقاومت و شهادت)، تنها در منظومه فکری و هویت‌ساز مسلمانان یافت می‌شود؛ عناصری که حضورشان برای فرهنگ و تمدن اسلامی هویت‌ساز، و بسترساز عزت ملی، اعتماد به نفس و خودباوری مسلمانان و ترس و زبونی دشمنان اسلامی است؛ به عبارت دیگر، هرچه فراموشی جهاد و شهادت در جامعه اسلامی موجب ذلت مسلمانان و وابستگی آن جامعه می‌شود به همان اندازه داشتن روحیه جهاد و شهادت، آفریننده قدرت و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمنان است (محمدی، ۱۳۸۹: ۹ و ۱۰). به هر روی، تحصیل عزت ملی و استقلال نیازمند قدرت است که یکی از ویژگیهای این قدرت حقیقی و معنوی، همدلی و وحدت ملی است: «اگر به عزت، شرف، استقلال و به هویت انسانی خود معتقد است، باید در خود قدرت دفاع به وجود آورد. البته بخشی از این قدرت، دفاع مادی و سلاح و نظامی است؛ اما این قدرت، معنوی و وحدت ملی است؛ همکاری و همدلی مردم با مسئولان کشور است؛ تلاش مسئولان کشور برای بهروزی مردم است؛ حفظ وحدت مردم است و در کنار اینها آمادگی بهترین و برترین و شجاعترین جوانان برای دفاع از کشور، ارزشها، استقلال و عزت ملی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱۰/۰۴).

۶- دشمن‌ستیزی و نفوذ ناپذیری نظام

دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از مفاهیمی است که در آیات و روایات اسلامی مورد توجه قرار گرفته و بر هوشیاری همیشگی مؤمن و دشمن‌شناسی او تأکید شده و تبری از دشمن، که لازمه آن دشمن‌شناسی است در زمره فروع دین قرار دارد. رهبر انقلاب اسلامی بارها بر کسب بصیرت و همدلی تأکید کرده‌اند که از ضروریات دشمن‌شناسی بویژه در توفان حوادث است. ایشان شناخت انواع و اقسام حيله‌های دشمن، معرفی آنها، آگاه کردن ملت و وحدت و همدلی مردم در مهار نفوذ دشمنان را بارها به مسئولان و مردم گوشزد کرده‌اند (پورفاضلی، ۱۳۹۳: ۱-۲) شالوده گفتمان دفاعی رهبران انقلاب اسلامی به مفهوم دشمن‌شناسی

به منظور دفع تهدید و امنیت‌زایی باز می‌گردد. در چارچوب تفکر دفاعی انقلاب اسلامی، پدیده تهدید و دشمن در هر نظام عقیدتی - ژئوپلیتیک معنا و هویت می‌یابد. در بعد عقیدتی و فقهی، تأکید بر شناخت دشمن و انگیزه‌های آن با نوعی تکلیف‌گرایی شرعی ارتباط تنگاتنگ دارد (موسوی و درودی، ۱۳۹۱: ۱۲). با این اوصاف، استقامت و پایداری ملت در راه حق نیز سیره اولیای الهی و دستور خداوند برای رهایی از بند دشمنان و غلبه بر آنهاست. تاریخ امتهای و اقوام پیشین نشان می‌دهد جوامعی که با وحدت و همدلی در برابر دشمنان خود مقاومت کردند، سرانجام پیروز شده و به اهداف خویش دست یافته‌اند. در این میان، وحدت و همدلی از مهمترین عوامل مؤثر بر پیروزی امتهای استقامت‌کننده است (زمانی، ۱۳۹۳: ۷۹). در این راستا، همدلی و هم‌بانی ملت، زمینه‌های نفوذ دشمنان را در بخشهای مختلف می‌بندد (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۹۹ و ۱۹۸) و در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، زمینه‌های استحکام و وحدت عمومی را فراهم می‌آورد. همدلی، زمینه‌های شکل‌گیری صفوف مستحکم و واحدی را در برابر معاندان نظام اسلامی به‌وجود می‌آورد که دستاورد آن، تقویت پایه‌های قدرت ملی خواهد بود که در نهایت، دشمنان در مسیر نفوذناپذیری به دژ مستحکم ملت، ناکام خواهند ماند.

۷- نفی قوم‌مداری و انسجام دولت - ملت در پرتوی تنوع قومیتی

دولتها در راستای تأمین و حفظ قدرت ملی با مشکلات و موانع متعددی روبه‌رو هستند. در این میان از جمله عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر مفهوم قدرت و امنیت ملی، وجود هویت‌های مختلف قومی در حاکمیت سرزمینی هر کشور است (مسعودی، ۱۳۹۰: ۱) در این میان، متغیر انسجام ملی - سیاسی مشعر بر چگونگی صورت‌بندی نیروها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی از جمله گروه‌های قومی است. این متغیر از نظر امنیت و استحکام قدرت ملی مسئله‌ای حائز اهمیت تلقی می‌شود؛ لذا هر چه دولت - ملتی منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و دولت - ملت نامنجم زمینه بالقوه مناسب بروز رفتارها و رخداد‌های ضد امنیتی است. با توجه به رویکرد نرم‌افزاری به قدرت و امنیت ملی، که بر انسجام و یکپارچگی اجتماعی و کیفیت فرایند ملت‌سازی تکیه دارد، می‌توان گفت در جوامع

ضعیف و اجتماعات پاره پاره، میزان انسجام گروه‌های اجتماعی از جمله گروه‌های قومی در آنها ناچیز، و احتمال واگرایی و گریز از مرکز گروه‌های فرو ملی قابل ملاحظه است. قومیت در ارزیابی قدرت ملی متغیر بسیار مهمی به شمار می‌رود (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۱۰ - ۷).

در جمع‌بندی باید اذعان کرد با عنایت به رویکرد نرم‌افزاری به قدرت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی نظام مدیریت قدرت و امنیت را تشکیل می‌دهد. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی و تضعیف پایه‌های قدرت را به همراه آورده است و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چند پاره می‌سازد و به تضعیف توان سیاست‌سازی و توان پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چندپارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرایند ملت‌سازی، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است. در کشورهای مختلف، چندپارگی و تشتت و تبدیل دولت - ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله قدرت ملی می‌افزاید. شاید ناکامترین موارد قابل لمس در کشورهای در حال توسعه، ایجاد حس مشترک عمومی درباره ارزشها و علائق ملی باشد و طبیعتاً ارزشهای گروه‌های غالب به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌کند؛ مثل جنبش‌های تجزیه طلب که این موارد هسته اصلی ناامنی داخلی و اضمحلال قدرت درونی را تشکیل می‌دهد. هر چه دولت - ملتی منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت قدرت آن ثبات بیشتری دارد و در مقابل، دولت - ملت نامنجم، زمینه بالقوه مناسب رفتارها و رخداد‌های ضد امنیتی به‌شمار می‌رود؛ لذا در جوامع ضعیف و پاره و پاره، احتمال واگرایی و مرکز‌گریزی گروه‌های فروملی قابل ملاحظه است (کارنامی، ۱۳۸۸: ۱۷۳ - ۱۶۷).

در راستای این مباحث، که نشان‌دهنده اهمیت قومیتها در فرایند قدرت ملی است، یکی از سرمایه‌های ملی جمهوری اسلامی ایران، که تولیدکننده اقتدار ملی و ارتقای ظرفیتهای قدرت ملی است، همبستگی ملی در عین تنوعات قومی است (زاهدی، ۱۳۹۰: ۱۱ - ۸). به زعم نگارنده، همدلی و هم‌زبانی میان گروه‌های متفاوت، اقوام مختلف و اقلیتهای دینی، زمینه‌های استحکام ساخت قدرت جمهوری اسلامی را به وجود آورده است و در عین جلوگیری از

شکافهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، یکپارچگی در اهداف را به وجود آورده است که نشاندهنده نفی قوم‌مداری افراطی است که آسیب‌های زیادی را برای قدرت ملی فراهم خواهد آورد.

۸- اقتدار درونزا

اقتدار، قدرت مشروع است که مشروعیت خود را بر اساس دین، قانون، سنت و غیره به دست می‌آورد. اقتدار ملی برآیند و نتیجه قدرتهای اقتصادی، نظامی، فرهنگی، سیاسی، علمی و فناوری مشروع است (جهانتاب، ۱۳۸۵: ۲۶).

باید اذعان کرد که یکی از ارکان استحکام ساخت درونی قدرت، اقتدار درونزا است؛ به عبارتی، مبانی و منشأ اقتدار هر نظامی باید درونی باشد. چنین اقتداری، زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها و ظرفیتها است و موجب بسیج منابع مادی و غیر مادی ملی می‌شود (عسگری و سعیدکلاهی، ۱۳۹۳: ۱۶).

اقتدار درونی حاصل اعتماد مسئولان به قدرت معنوی مردم است که در سایه این اتحاد دولت - ملت و همدلی در سطح جامعه، آسیب‌ها و ضعفهای قدرت ملی برطرف خواهد شد: «از مسئولین می‌خواهیم به مردم اعتماد کنند؛ به نیروی داخلی اعتماد کنند؛ سعی کنند این سرچشمه فیاض تمام نشدنی را در داخل، خروشان و فروزان و جوشان کنند؛ این اگر شد، همه درهای بسته باز خواهد شد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸). با این اوصاف، اقتدار درونی ناظر بر حفاظت از متن حرکت ملت است که در سایه همدلی و وحدت به‌وجود می‌آید: «آحاد ملت ما وحدت خودشان را حفظ کنند؛ آحاد ملت، مسئولین، نخبگان نگذارند حواشی گوناگون، متن را مخدوش کند. امروز متن حرکت ملت، ایجاد اقتدار درونی است؛ ایستادگی در مقابل توفانهای مخالفت و معارضة است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹). پس تا زمانی که همدلی و وفاق اجتماعی در جامعه تحقق نیابد، پایه‌های اقتدار درونی سست و لرزان است و «باهم بودگی» ناشی از همدلی و هم‌بانی، اقتدار درونی را مستحکم می‌سازد و در پی آن، قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌افزاید. در نهایت باید اذعان کرد که: «راز این اقتدار

ملی و این قدرت بزرگ در چیست؟ در ایمان اسلامی، در تعبد اسلامی، در وحدت کلمه، در همراهی و همدستی و همدلی ملت و دولت و همکاری مسئولین با مردم. این، راز اصلی است. این را باید حفظ کنید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۷/۱۵).

نتیجه‌گیری

استحکام ساخت درونی قدرت ملی به مثابه راهبردی بومی در جمهوری اسلامی ناظر بر چند لایه مفهومی نظیر استواری در اصول راهبردی، صلابت در برابر عوامل سست‌کننده، پیوند عمیق میان عناصر و مفاصلها، شجاعت و صبر در برابر ناملايمات، ایستادگی برای پاسداشت ارزشها و منافع، و نه‌راسیدن از غیر خدا است. بر اساس بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ساخت درونی با رویکرد آرایش ساختارهای جامعه همخوانی دارد و مبتنی بر پیوند، انسجام و آرایش ساختارهای نظام ملی و پیوند وثیق ملت و کارگزاران برای تحصیل اهداف است. به هر روی برای ساخت درونی می‌توان چند معنا متصور شد که عبارت است از: ظرفیتهای درونی و ملی نظام ملی، مقاومت درونی در برابر تغییرات مختلف بیرونی، قدرت درونی ملت، عزم و اراده جدی ملت، آرمانهای جمهوری اسلامی ایران نظیر عدالت و کرامت انسانی، اقتدار همه‌جانبه و درونزا و غیره. براساس آرای رهبر معظم انقلاب اسلامی، دو نوع ساخت درونی قدرت وجود دارد: ساخت درونی پوک و شکننده و ساخت درونی مستحکم و باثبات. کلید واژه «درونی» در ترکیب ساخت درونی قدرت ملی، نشانی از این مهم است که برای دستیابی به کشور پیشرفته و مقتدر باید به‌طور جدی به آرایش درونی در همه بخشها اعم از نهادها، مؤسسات و سازمانهای خرد و کلان توجه کرد و نیاز است که درک درست داشتن از الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، هدفهای آرمانی جمهوری اسلامی (عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن)، افزایش مهارتهای گوناگون، عزم و اراده جدی بر توانایی علمی و تدین، اقتدار علمی، ساخت حقیقی و باطنی در آرایش درونی نظام جمهوری اسلامی لازم است. بنابراین، آرایش درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران باید دارای این مؤلفه‌ها باشد: قدرت انطباق با موقعیت‌های گوناگون،

توانایی انعطاف در برابر وضعیت پیش‌بینی‌نشده و مختلف، توانایی رویارویی با مسائل گوناگون، سرعت و چالاکی در عمل، کارساز و مفید بودن و اتخاذ مواضع روشن در برابر موضوعات مختلف. این آرایش درونی قدرت با رعایت مصالح عمومی و استواری پیوندهای اجتماعی عامل پایداری قدرت ملی خواهد بود که توجه به مؤلفه‌های هویت جمعی در جامعه، ساخت حقیقی قدرت را تقویت می‌بخشد.

در مکاتب نظری و عملکرد خیلی از بازیگران سیاسی در حوزه قدرت و سیاستگذاری آن، توجه به ساخت بیرونی قدرت است و این در حالی است که پایه قدرت ملی جمهوری اسلامی در حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیز استحکام ساخت درونی قدرت است که دستاورد آن، قدرت مشروع نرم داخلی و بین‌المللی (بیرونی) خواهد بود که برای مصون ماندن از تکانه‌ها و نوسانات بین‌المللی لازم است؛ همچنین، لازمه‌ای اساسی برای پیشبرد تعالی و اهداف ملی در نظام‌های سیاسی است. به رغم این مسائل می‌توان به این مهم اذعان کرد که همدلی و همزبانی از مؤلفه‌های کلیدی و تأثیرگذار بر استحکام ساخت درونی است. منطق همدلی و همزبانی در مستحکم‌سازی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از صلابت در برابر دشمن و عطف در برابر دوستان؛ به این معنا که در برابر متحدان، هم‌پیمانان و آحاد جامعه، عطف و مهربانی ساری و جاری شود و در برابر دشمنان داخلی و خارجی مستحکم و با صلابت اقدام گردد؛ همین امر سبب شده است که بسترهای تحقق جامعه امن فراهم شود. همدلی در فرایند مستحکم‌سازی قدرت ملی، تأثیرات فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت است از: زمینه‌های تثبیت نظام سیاسی و ایجاد دولت مقتدر را فراهم می‌کند و همین امر، میزان شکنندگی و آسیب‌پذیری نظام ملی را می‌کاهد و به مسئولان قدرت کنشگری و فعالیتهای مفید را می‌دهد؛ تحقق اهداف متعالی نظام و منافع حیاتی ملی را فراهم می‌کند و با وحدت روش و یکرنگی در جامعه، خستگی و زحمتهای دستیابی به اهداف و منافع ملی را کاهش می‌دهد؛ عزت ملی و استقلال همه‌جانبه و پایدار را به همراه می‌آورد؛ به مخالفت با دشمن و جریانهای استکباری می‌پردازد و زمینه‌های نفوذ را در جمهوری اسلامی کاهش می‌دهد و به نوعی نظام سیاسی را در برابر حوادث واکسینه می‌کند؛ انسجام دولت - ملت را

به وجود می آورد و منازعات قومی و قبیله‌ای را می‌کاهد و دستاورد آن، وفاق اجتماعی است و در نهایت اینکه، اقتدار درونزا را برای جمهوری اسلامی ایران به ارمغان می‌آورد.

Archive of SID

منابع

فارسی

- ۱ - قرآن کریم
- ۲ - ابراهیمی، شهروز و دیگران (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم. دوفصلنامه جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام. بهار و تابستان. دوره ۱. ش ۴: ۱ تا ۲۸.
- ۳ - ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۴)، هویت ایرانی - اسلامی: بنیاد انسجام و اقتدار ملی. مقالات همایش همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی. به کوشش اسکندر مرادی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۴ - افتخاری، اصغر (۱۳۸۸)، قدرت نرم حکومت اسلامی: منابع و کاربرد، در کاربرد قدرت نرم، تألیف الکساندر تی. جی لئون، ترجمه سیدمحسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۵ - امانی، محمدرضا (۱۳۹۴)، نقش همدلی اقوام ایرانی در مشارکت سیاسی، مقالات همایش همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی، به کوشش اسکندر مرادی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۶ - باقی نصرآبادی، علی (۱۳۸۴)، «همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی»، فصلنامه حصون، زمستان، ش ۶: ۱۶۶۵ تا ۱۸۷.
- ۷ - باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷)، مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، نشر شاهد.
- ۸ - پورابراهیمی (۱۳۹۴)، چکیده مصاحبه همایش ملی استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۹ - پورفاضلی، سید امیر (۱۳۹۳)، دشمن شناسی؛ شناخت دشمن و روش‌های مقابله با آن، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۱۰ - تهامی، مرتضی (۱۳۹۴)، «فرهنگ ایرانی - فرهنگ همگرا»، مقالات همایش همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی، به کوشش اسکندر مرادی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- ۱۱ - جان پروری، محسن و ریحانه صالح آبادی (۱۳۹۴)، «گردشگری فرهنگی راهبردی جهت ایجاد همدلی در گروه های قومی کشور»، مقالات همایش همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی، به کوشش اسکندر مرادی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۲ - جعفری پناه، مهدی و منصور میراحمدی (۱۳۹۱)، «مؤلفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اسلامی»، فصلنامه معرفت سیاسی، س چهارم، پاییز و زمستان، ش ۲: ۱۰۵ تا ۱۲۲.
- ۱۳ - جهانتاب، محمد (۱۳۸۵)، «بررسی مؤلفه های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن»، فصلنامه دانش انتظامی، دوره هشتم، زمستان، ش ۴: ۲۶ تا ۴۲.
- ۱۴ - حسینی بهشتی، سیده محمد و دیگران (۱۳۹۰)، شناخت اسلام، تهران، نشر روزنه.
- ۱۵ - حیدریان، مهدی و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی تاثیر مبادلات اقتصادی مرزی بر همدلی اقوام»، مقالات همایش همدلی اقوام ایرانی؛ انسجام و اقتدار ملی، به کوشش اسکندر مرادی، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۱۶ - خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳)، حدیث ولایت، تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلام.
- ۱۷ - خانی، محمدحسن و روح الامین سعیدی (۱۳۹۳)، «رسانه و نقش آن در استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی: رویکردی گفتمانی»، پژوهش های سیاست اسلامی، س دوم، پاییز و زمستان، ش ۶: ۸۷ تا ۱۱۰.
- ۱۸ - خسروی، مرتضی (۱۳۹۴)، امنیت در قرآن: رویکرد تفسیری تبیینی، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
- ۱۹ - دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)، «نگاهی به امنیت از منظر امیر مؤمنان (ع)»، فصلنامه حکومت اسلامی، س پنجم، ش ۱۸: ۲۸۰ تا ۳۱۰.
- ۲۰ - دفتر امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲)، «قدرت نرم»، دانش افزای فرهنگی، فروردین، ش ۴.
- ۲۱ - دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه قدرت نرم در انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه حضور، تابستان، ش ۵۷: ۶۶ تا ۱۰۰.
- ۲۲ - دیوسالار، مجید (۱۳۸۷)، «امنیت ملی و تهدیدهای قومی»، دو هفته نامه پگاه حوزه، اسفند، ش ۷: ۲۵۱ تا ۱۰.
- ۲۳ - روزنامه کیهان (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی و استحکام بخشی ساخت درونی قدرت، روزنامه کیهان، ۱۹ بهمن ماه.
- ۲۴ - زاهدی وفا، سمانه (۱۳۹۰)، «دولت ها، تنوع قومیتی و همبستگی ملی»، دو هفته نامه پگاه حوزه، مهر، ش ۳۱۲: ۸ تا ۱۱.
- ۲۵ - زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۱)، «سنجش و رتبه بندی قدرت ملی کشورها در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، س اول، تابستان، ش ۲: ۱ تا ۲۶.

- ۲۶ - زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۳)، «بازکاوای راهبرد استقامت در مقابله با دشمنان»، پژوهش های دفاعی - امنیتی اسلام، س اول، بهار و تابستان، ش ۱: ۷۹ تا ۱۰۰.
- ۲۷ - زیوری، علی (۱۳۹۴)، همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت: راهکارهای علمی و عملی، تهران، نشر خصوصی زیوری.
- ۲۸ - شجاعی، هادی و دیگران (۱۳۹۳)، «تاثیر انقلاب اسلامی ایران در برجسته شدن موضوع قدرت نرم در روابط بین الملل»، ماهنامه معرفت، س بیست و سوم، مردادماه، ش ۲۰۰: ۲۵ تا ۳۶.
- ۲۹ - شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲)، «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه قدرت نرم، س سوم، پاییز و زمستان، ش ۹: ۷۹ تا ۹۸.
- ۳۰ - ظریف منش، حسین (۱۳۹۴)، «استحکام ساخت درونی، نسخه راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق امنیت پایدار»، چکیده مقالات همایش سراسری مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- ۳۱ - عبدالملکی، جعفر (۱۳۹۴)، «همدلی و هم‌زبانی اساس قدرت درونی»، روزنامه جام جم، نهم اردیبهشت ماه، ش ۴۲۶۶.
- ۳۲ - عسگری، محمود و حسن سعید کلاهی (۱۳۹۳)، «استحکام ساخت درونی نظام: الگوی نیل به جامعه امن»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، س دوازدهم، مرداد و شهریور، ش ۱۰.
- ۳۳ - عضدانلو، حمید (۱۳۸۴)، آشنایی با مفاهیم جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی.
- ۳۴ - عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۵)، «بسیج ترجمان آرمانهای دفاعی امام خمینی (ره) در پاسداشت امنیت ملی»، مجموعه مقالات علمی کنگره سرداران، امیران، فرماندهان و هشت هزار شهید همدان، همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- ۳۵ - علی احمدی، علیرضا (۱۳۹۲)، ساخت قدرت ملی و تاثیر آن بر دستیابی به اهداف والای جمهوری اسلامی در ویژه نامه دهه فجر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات پیرامون انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن)، پایگاه خبری تحلیلی هادی.
- ۳۶ - علایی، حسین (۱۳۹۱)، «امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، س دهم، پاییز، ش ۳۹: ۱۱۹ تا ۱۴۸.
- ۳۷ - علی بخشی، ابراهیم (۱۳۸۹)، الگوی طرح ریزی راهبرد نظامی و مدیریت امنیت ملی، تهران، انتشارات دافوس.
- ۳۸ - غلامی، نجفعلی (۱۳۹۰)، دشمن شناسی: بررسی اندیشه های رهبر معظم انقلاب اسلامی، قم، مؤسسه ولاء منتظر.
- ۳۹ - فولادی، محمد (۱۳۸۴)، «همبستگی ملی و مشارکت عمومی»، ماهنامه معرفت، س چهاردهم، خرداد، ش ۳: ۸۸ تا ۹۵.
- ۴۰ - قاسمی، صدیقه (۱۳۹۰)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، نشر روزنه.

- ۴۱ - قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۴۲ - قربانی، مصطفی (۱۳۹۲)، تقویت ساخت درونی کشور به مثابه راه حل مشکلات کشور، چهاردهم مهرماه، پرتال مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴۳ - قربانی، مصطفی (۱۳۹۴)، استحکام بخشی ساخت درونی قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، خبرگزاری فارس، یازدهم خردادماه.
- ۴۴ - قربی، سیدمحمدجواد و علی اکبر جعفری (۱۳۹۴)، «برجستگی منابع قدرت نرم ایران؛ مطالعه موردی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، س سوم، پاییز و زمستان، ش ۱۰: ۲۹ تا ۶۸.
- ۴۵ - قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۴)، «مذاقه‌ای در منابع، ابزار، ابعاد و تهدیدات قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست دفاعی، س بیست و سوم، بهار، ش ۹: ۹۰ تا ۵۶.
- ۴۶ - قیصری، نوراله (۱۳۹۲)، «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان»، فصلنامه دانش سیاسی، س نهم، بهار و تابستان، ش ۱۷: ۴۵ تا ۶۲.
- ۴۷ - کارنامی، محمد (۱۳۸۸)، «آسیب شناسی تأثیر قومیت گرایی بر امنیت ملی»، مجله حصون، بهار، ش ۱۹: ۱۶۶ تا ۱۸۲.
- ۴۸ - کربلایی، حسین (۱۳۹۳)، الگوی اسلامی انسجام سیاسی در جوامع چند فرهنگی با تطبیق بر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
- ۴۹ - محمدی، یدالله (۱۳۸۹)، «انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی: تقابل و رویارویی دو چهره قدرت (نرم افزاری و سخت افزاری)»، نشریه مصباح، دی ماه، ش ۳۶: ۹۵ تا ۱۰۶.
- ۵۰ - مداحی، مرتضی (۱۳۸۹)، «واکاوی مفهوم و ویژگی‌های قدرت»، ماهنامه معرفت، س نوزدهم، ش ۱۵۷: ۱۲۳ تا ۱۳۸.
- ۵۱ - مریجی، شمس الله و اسماعیل چراغی (۱۳۸۹)، «تبیین جامعه‌شناختی مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی در جامعه مهدوی»، فصلنامه مشرق موعود، س چهارم، تابستان، ش ۱۴: ۵۹ تا ۸۴.
- ۵۲ - مسعودی، محمد صادق (۱۳۹۰)، تأثیر هویت های قومی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قوم بلوچ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده اقتصاد و علوم اداری.
- ۵۳ - مطلبی، مسعود (۱۳۸۶)، «بن مایه‌های همبستگی ملی در قانون اساسی»، ماهنامه زمانه، آذرماه، ش ۶۳: ۵۲ تا ۵۹.
- ۵۴ - مطهرنیا، مهدی (۱۳۸۶)، «قدرت ملی ضریب افزایش اتحاد»، ماهنامه زمانه، آذرماه، ش ۶۳: ۲۰ تا ۲۴.
- ۵۵ - مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.

- ۵۶ - معاونت امور راهبردی و اشراف فرماندهی (۱۳۹۳)، ساخت درونی قدرت ملی؛ الگوی سه لایه ای و رمز گشایی از پیچیدگی مرکب (ویراست مقدماتی)، تهران، معاونت امور راهبردی و اشراف فرماندهی، حوزه معماری دانا.
- ۵۷ - منصوری شاد، طیبه (۱۳۸۹)، «همدلی و تفاهم؛ زمینه‌ساز ارتباط اثر بخش»، ماهنامه روابط عمومی، مهر ماه، ش ۷۳: ۳۴ تا ۴۰.
- ۵۸ - موسوی، سیدصدرالدین و مسعود درودی (۱۳۹۲)، «بازنمایی مفهوم استکبار جهانی در گفت‌وگو دفاعی امام خمینی (ره) از جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، تابستان و پاییز، ش ۱: ۱ تا ۳۰.
- ۵۹ - موکی و یلی، روزبه (۱۳۷۰)، پویایی گروه‌ها: مسئله و کاربردهای علمی آن، ترجمه فریدونی، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۶۰ - نصیری پور، معصومه (۱۳۹۴)، همدلی: مبانی و مفاهیم، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- ۶۱ - نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۰)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
- ۶۲ - هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)، تفسیر راهنما، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

انگلیسی

- 63 - Findlay, L. Girardi, A. & Coplan, R(2006): "Links between empathy, social behavior, and social understanding in early childhood", Early Childhood Research Quarterly, vol21.
- 64 - Endresen, I & Olweus, D(2002): Self-reported empathy in Norwegian adolescents, In constructive and destructive behavior, By Stipeck & Bohart, Washington, DC: American Psychological Association.
- 65 - Mitchell, Duncan(1981): A New Dictionary of Sociology, London, Routledge & egan Paul.
- 66 - Mohammad Ali Javaheri(2014):"The internal arrangement and Farhangian Universityand", Spectrum: A Journal of Multidisciplinary Research, March, Vol. 3 Issue 3.

Archive of SID

مجله سیاست دفاعی، سال بیست و پنجم، شماره ۹۸، بهار ۱۳۹۶